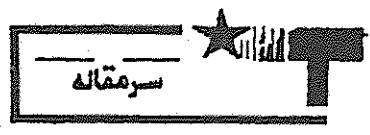


ارگان کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بهاء ۵۰ ریال

اردیبهشت ۱۳۶۵

دوره جدید سال چهارم شماره ۴۱



رژیم جمهوری اسلامی همچنان در بن بست جنگ

جو تنفر انگیز نظامی و نتایج شوم جنگ بر سراسر ایران بنجسته افکنده است. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی عجز و ناتوانی خود را در تعدیل بحران سیاسی - اقتصادی حاکم بر جامعه با میلیتاریزه کردن هر چه بیشتر جامعه در کلیه عرصه های آن به نمایش گذاشته است. ماشین بوروکراتیک - نظامی عریض و طویل دولتی به تمامی به خدمت جنگ درآمده است. توده های مردم زیر فشار رفتن به جبهه های جنگ و یا کمک به راه انداختن ماشین جنگ قرار گرفته اند، حتی زنان که به زعم حکومت ارتجاعی مذهبی جمهوری اسلامی جز کنج خانه ها، آشپزخانه ها و حرم سراها جایگاهی در جامعه نداشته و "وظیفه مقدس مادری" عالی ترین وظیفه آنها محسوب میشود، در صفحه ۲

اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرامون

ورشکستگی سیاسی و

اعمال پلیسی - جاسوسی سازمان مجاهدین خلق

در صفحه ۳

پیوند جنبش طبقه کارگر با جنبش خلق کرد

یا منجلا ب رفرمیستی راه کارگر؟

رشد و تعمیق مبارزه طبقاتی و تشدید تفرادهای عینی جامعه تاثیر مستقیم خود را در گروه بندیهای سیاسی بیشتر از هر زمان دیگری برجای میگذارد. جریانات سیاسی در تلاطم مبارزه حاد طبقاتی به	سرعت جایگاه واقعی خود را می یابند و تفکیک طبقاتی در جامعه را به نمایش میگذارند. در این میان منادیان سازش طبقاتی در هراس از سیاست مستقل کارگری بطور همه جانبه ای در تلاش ایجاد	اشتقاقها و اتحادهای همگانی برای درهم آمیختن اقشار و طبقات مختلف برآمده اند. راه کارگر وظیفه اسلاف خویش حزب شده و اکثریت را در کردستان انقلابی به
---	---	--

حاکم مبارزه خونینی را بمنظور تحقق خواستهای انقلابی - دمکراتیک خود به پیش برده و در راستای این مبارزه، توان انقلابی خود را تا سرحد امکان به کار گرفته است. اهداف و آمالهای مشترک مبارزه زحمتکشان سراسر ایران علیه نظام بوروکراتیک ارتجاعی حاکم بمثابة عامل اصلی هرنوع ستمگری، پیوند و ارتباط ارکانیکی را بین مبارزات خلق کرد و جنبش انقلابی سراسری ایران ایجاد میکند.

آنچه میتواند موجب پیوستگی مبارزات انقلابی - دمکراتیک خلق کرد و کارگران و زحمتکشان سراسر ایران گردد اعمال اراده رهبری انقلابی واحدی است که در صورت تحقق، میتواند مبارزات انقلابی دمکراتیک خلقهای

پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد

در گرو چیست؟

خلق کرد همانند دیگر زحمتکشان ایران در طول سالیان متمادی و در زیر فشار ستم و استثمار رژیمهای سرکوبگر

یاد اسماعیل شریف زاده

و یارانانش

در آرمان خلق کرد

زنده است! در صفحه ۸

در صفحات دیگر:



اخبار جنبش توده ای

در صفحه ۱۸

از تجارب

کارگران و زحمتکشان ویتنام

در پیشبرد انقلاب

بیاموزیم

در صفحه ۹

رژیم جمهوری اسلامی همچنان در بن بست جنگ

با فتوای خمینی به رفتن به جبهه‌ها وادارگشته‌اند. رژیم بدیس ترتیب مذبحخانه می‌کوشد که با سیج جنگی سراسری خود ضمن تداوم جنگ ارتجاعی، زندگی مشقت بار توده‌ها را تحت الشعاع مآثبات جنگ قرار دهد. اما همین سیج جنگی سراسری نشانه بارز درمادکسی رژیم در تامين نیروی انسانی و هزینه ماشین نظامی جنگی، برای پیشبرد و تداوم جنگ ارتجاعی است. دیگر از امواج انسانی "مشتاقان و داوطلبین شهادت" و "راهبان بیشت" که تحت تاثیر توهنات مذهبی و شوونیستی در دفاع از مبین اسلامی سرمایه‌داران به جبهه‌های جنگ گسیل می‌شدند، خبری نیست. دیگر ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و جنگ ارتجاعی برهنگان آشکار گشته است. دیگر بجز مزدوران و دست‌نشانندگان رژیم که در دفاع از منافع خود (که با موجودیت رژیم گره خورده است) کسی داوطلب هلاکت در راه اهداف ارتجاعی رژیم نمی‌باشد. رژیم در اثر ورشکستگی اقتصادی و مالی ناشی از کاهش صادرات و قیمت نفت، بنا به ماهیت ارتجاعی خود راهی جز غارت و چپاول هرچه بیشتر از دسترنج زحمتکشان پیش روی خود نمی‌بیند. سیج جنگی چندماهه اخیر رژیم نیز بر پایه همین واقعیت‌ها تشدید یافته است. شکستهای پی در پی رژیم در عملیات مختلف او نیز عامل دیگری است که حاکمیت برای پوشاندن آن بر دامنه تبلیغات جنگی و سیج جنگی اجباری خود افزوده است.

وضعیت فلاکت‌بار زندگی توده‌های زحمتکش، سیاستهای ارتجاعی و قرون وسطایی رژیم در نقض ابتدایی ترین حقوق انسانی مردم، تشدید و تداوم جنگ ارتجاعی و مآثبات ناشی از آن، و در نهایت نارضایتی عمومی توده‌های مردم از حاکمیت جمهوری اسلامی، عاملی است که رژیم را واداشته است به بهانه جنگ برای مقابله با مبارزات توده‌ها،

جامعه را تحت کنترل پلیسی و نظامی خود درآورد. هر چند که همین سیاستهای ارتجاعی زمینه‌های رشد و تعمیق اعتراضات توده‌ای را با شدت در خود می‌پروراند و رژیم را در بن بست تضاد و تناقض غیرقابل حلی قرار می‌دهد. همچنانکه در زمینه ادامه جنگ نیز رژیم دچار بن بست گشته (و به هیچوجه پیروزی ای در این جنگ برای خود متصور نیست) و خاتمه وادامه آن هر دو برای او نتایج یکسانی به بار خواهد آورد. تشدید جنگ باعث تعمیق نارضایتی عمومی و خاتمه جنگ نیز با توجه به عدم توانایی رژیم در پاسخگویی به نیازهای جامعه و سیاستهای ارتجاعی، باعث گسترش اعتراضات توده‌ها گشته و هر دو راه، رژیم را در سراسیمه و سرنگونی قرار می‌دهد، که رژیم با اتکا به سیاستهای جنگ طلبانه، راه اول را برگزیده و برای افزودن به عمر شکنج خود و مقابله با اعتراضات توده‌ای، به سیاست ترور و خفقان پلیسی نظامی دست باز کرده است.

تلاشهای سرمداران رژیم در کردستان بخوبی ماهیت ارتجاعی پلیسی نظامی رژیم را بر ملا می‌کند: کنترل و مآبر کردستان، هجومیای وحشیانه مزدوران برای دستگیری دسته جمعی جوانان، تهدید مردم روستاها به قطع کوبن ارزاق عمومی، اخاذی آشکار از مردم در جهت تامین هزینه‌های جنگ، تعطیلی زودتر از موعد مدارس اعزام اجباری دانش‌آموزان و معلمان به جبهه‌ها و تهدید معلمان و وزیر فشار گذاشتن آنها برای پوشیدن لباس نظامی در مدارس و... جزو سیاستهایی است که امروزه در کردستان توسط مزدوران رژیم به اجرا گذاشته شده و خشم و تنفر مردم را بیشتر از پیش علیه رژیم برانگیخته است.

رژیم که تنها با اعمال حکومت پلیسی نظامی خود بر سراسر کردستان و تحت فشار گذاشتن مردم نتوانسته اراده مقاوم و انقلابی زحمتکشان خلق کرد را درهم بشکند، مذبحخانه درمدم عوام فریبی برآمده و سرشت تبلیغات جنگی خود افزوده و دستگاهها و ارگانهای

تبلیغاتی جدیدی را ایجاد کرده است. در همین رابطه "قائم مقام تبلیغات شورای عالی دفاع" و "مشول هماهنگی کمیته‌های تبلیغات جنگ استانها" بیست و هفتم اردیبهشت ماه، خود، به کردستان شتافته و ایجاد "ستاد"ی متشکل از پنج کمیته فرعی در استان کردستان را در دستور کار مزدوران رژیم قرار دادند. این "ستاد" ضمن پیشبرد تبلیغات جنگی و عوام فریبانه رژیم، مگلف گشته‌کند در جهت خنثی ساختن فعالیت انقلابی نیروهای سیاسی نیز به تبلیغات ارتجاعی رژیم دامن بزنند.

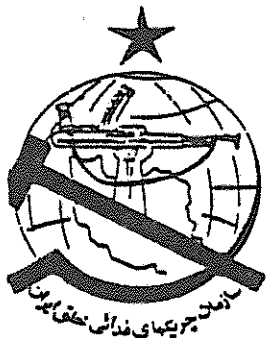
همچنین امام جمعه‌ها و دیگر عوامل دستگاه روحانیت با برگزاری گردهم‌آیی دیگری با استاندار مزدور، کردستان، چگونگی استفاده از این دستگاه فریب و تحمیق را در جهت ترغیب توده‌ها برای رفتن به جبهه‌ها مورد بحث گذاشتند. تاپش استاندار مزدور کردستان در این رابطه چنین گفت: "در کردستان به مساجد اهمیت فراوانی داده میشود... شما برادران روحانی و هیئت‌امناء باید کوشش کنید تا جوانان بیشتر جلب مساجد شوند"

در شهر سقز نیز رژیم برای مقابله با اعتراضات مردم این منطقه و وادار کردن آنها به تمکین در برابر سیج جنگی، گردهم‌آییای با شرکت مرتجعین: فرماندار و فرمانده سپاه پاسداران شهر سقز، ملاها و اعضای "شوراهای اسلامی روستایی" تشکیل دادند تا بوسیله مزدوران خود در روستاها که تحت نام "شوراهای اسلامی روستایی" به خدمت رژیم درآمده‌اند، مردم را برای رفتن به جبهه‌ها زیر فشار بگذارند.

همه این اقدامات بیانگر ضعف و ریبونی رژیم در برابر اراده مقاوم و خلل ناپذیر خلق مبارزی است که برای دفاع از دستاوردهای مبارزاتی خود بپاخاسته و تشنات مذبحخانه رژیم را برای جاری ساختن قوانین ارتجاعی خود در کردستان به تمسخر می‌گیرند.

حما می "امام جمعه" مزدور سقز در صفحه ۲۶

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم



اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پیرامون ورشکستگی سیاسی و

اعمال پلیسی - جاسوسی سازمان مجاهدین خلق

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

اکنون مدتی است که سازمان مجاهدین خلق در ادامه سیاستهای ارتجاعی خود، بمنظور ابراز وفاداری و سرپرستی به امپریالیسم و بورژوازی ایران، دشمنی علنی و آشکار خود را با سازمانهای انقلابی ایران تشدید نموده است. مجاهدین خلق این سیاست ارتجاعی خود را بیش از همه متوجه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نموده و در این زمینه از بکار گرفتن رذیله‌ترین و پست‌ترین شیوه‌هایی که تاکنون در جنبش ما سابقه نداشته است فروگذار نکرده‌اند. چندین شماره اخیر نشریه مجاهد، گویاترین سند درافشای این سیاست و شیوه‌های ارتجاعی است. دروغ‌پردازی، افترا، جعل حقایق، برچسب زنی و مهمتراز همه توسل به شیوه‌های پلیسی - جاسوسی و درج عکس و نام برخی از هواداران سازمان خارج از کشور در نشریه مجاهد که جز همکاری غیرمستقیم و مستقیم با سازمانهای جاسوسی - پلیسی رژیم جمهوری اسلامی و دولتهای امپریالیست چیز دیگری معنا نمیدهد و خلاصه کلام شارلاتانیزم سیاسی بجای مبارزه سیاسی، تازه‌ترین دستاورد سیاستهای ارتجاعی مجاهدین خلق در دشمنی با سازمانهای انقلابی، توده‌های مردم ایران و انقلاب ایران است. در پی انتشار اسامی چندتن از اعفاء کادر رهبری سازمان در نشریه مجاهد که اقدامات پلیسی محسوب می‌گردد، تعدادی از هواداران سازمان در فرانسه، اقدام به پخش اطلاعیه‌هایی در اعتراض به این اقدام در محل اقامت رجوی رهبر سازمان مجاهدین نمودند. اما مجاهدین خلق نه تنها به شیوه‌های زشت و ناهنجار علیه هواداران سازمان متوسل شدند بلکه در نشریه مجاهد عکس و اسامی تعدادی از هواداران را منتشر نمودند و در اطلاعیه‌ها و نشریات خود، از بکار گرفتن زشت‌ترین و کثیف‌ترین شیوه‌ها، دروغ‌پردازی، افترا و جعل حقایق نیز خودداری نکردند. این تازه‌ترین دستاورد سیاستهای ارتجاعی مجاهدین خلق، بیانگر استیصال، بی اعتباری و ورشکستگی سیاسی سازمانی است که طی چند سال اخیر، مداوما در میان توده‌های مردم ایران افتاء و بی اعتبار گشته و به انفراد و ورشکستگی روزافزونی کشیده شده است.

سازمان مجاهدین خلق که زمانی بعنوان سازمانی دمکرات و فدا امپریالیست از منافع خلق دفاع میکرد، اکنون مدتهاست که بمثابه یک سازمان لیبرال - مذهبی، به دشمنی با توده‌های مردم برخاسته، وارد بندوبست با دولتهای امپریالیست و عموم مرتجعین شده و از منافع بورژوازی فدا انقلابی ایران دفاع میکند. این سازمان با هرگونه دمکراسی به مخالفت برخاسته، مدافع نظم ارتجاعی - بوروکراتیک حاکم بر ایران شده، از برجای ماندن ارتش و بوروکراسی و بسیاری دیگر از نهادها که ارتجاعی دفاع میکنند و از اینکه قدرت سیاسی در دست خلق یعنی کارگران، دهقانان و عموم زحمتکشان قرار گیرد، هراسان است.

مجاهدین خلق همچون خمینی از پیوند آشکار دین و دولت و یک حکومت مذهبی در ایران دفاع میکند. همه سیاستهای داخلی مجاهدین، بیانگر دفاع این سازمان از منافع بورژوازی فدا انقلابی و تلاش در جهت حفظ نظم ارتجاعی - بوروکراتیک موجود است. در یک کلام آنها تنها خواستار جایگزینی رجوی بجای خمینی بدون هرگونه تغییر اساسی در نظم موجودند. سیاست داخلی مجاهدین خلق که آشکارا سیاستی فدا انقلابی و ارتجاعی است، در سیاست خارجی و مناسبات بین‌المللی این سازمان نیز بازتاب یافته است. مجاهدین خلق در عرصه بین‌المللی نیز بورژوازی جهانی را متحد خود یافته و از اینرو با دولتهای امپریالیست و مرتجع‌ترین دولتهای منطقه، وارد اتحاد و زدوبند شده‌اند.

بی در حقیقت بدون علت نیست که این سازمان از مدتها پیش تلاش همه‌جانبه‌ای را در عرصه بین‌المللی آغاز نموده تا مناسبات همه‌جانبه‌ای را با دولتها، احزاب و سازمانهای بورژوازی برقرار نماید و حمایت و پشتیبانی بورژوازی بین‌المللی را نسبت به خود جلب کند. اکنون مدتهاست که سراسر نشریه مجاهد مملو از تأییدیه‌های احزاب و دولتهای محافظه‌کار و ارتجاعی سراسر جهان از این سازمان است. آنها ضمن جلب حمایت اکثریت دولتهای مرتجع، در تلاش‌اند که حمایت همه -

جانبه امپریالیسم آمریکا را که سرکردگی ارتجاع بین المللی را برعهده دارد رذیلت جلب کنند. از همین روست که در پیشگاه این سرکرده راجزان و غارتگران جهانی، زانو میزنند، از مبارزات گذشته سازمان خود علیه امپریالیسم آمریکا اظهار ندامت میکنند و قول "توبه" میدهند که متحد قابل اعتمادی برای امپریالیسم باشند. آنها بمنظور نشان دادن هرچه بیشتر این سرپردگی به امپریالیسم، با منفورترین، سرسپرده ترین رژیمهای منطقه همچون شاه اردن مناسبات دوستانه ای برقرار نموده تا هرگونه سوء تفاهمی را از میان بردارند. این است ادامه وسط سیاست داخلی مجاهدین در عرصه بین المللی و سیاست خارجی. و مضحک این است که مجاهدین در همان حال که این سیاست ارتجاعی را به پیش میبرند، عوامفریبانه تلاش میکنند بمنظور فریب توده های مردم ایران، این اتحاد و زدوبند خود را با مرجع ترین دولتهای جهان، "دیپلماسی" فعال در جهت "انقلاب" جایزنند. اما کیست که نداند این سیاست خارجی مجاهدین خلق ادامه منطقی سیاست داخلی این سازمان محسوب میگردد و سیاسی بکلی ارتجاعی و ضد انقلابی است.

روشن است که افشاء بی امان سیاستهای مجاهدین خلق از سوی سازمان ناممکن است و واکنش کین توزانه و دشمنی همه - جانب مجاهدین را علیه ما برنیا نگیرد.

نه فقط دشمنی روزافزون مجاهدین خلق با سازمانهای انقلابی ایران جزئی لاینفک از مجموعه سیاستهای ارتجاعی آنهاست، بلکه آنها که در برابر افشاگریهای بی امان سازمان ما مداوما خود را در وضعیت وخیمتری می بینند، لبه تییز حملات خود را متوجه سازمان نموده و هرچه بیشتر سیاستهای آنها در میان توده های مردم ایران افشاء میگردد، در این مبارزه به ورشکسته ترین و کثیف ترین شیوه های بورژوازی متوسل میشوند.

سازمانی که به انقلاب و توده های مردم ایران پشت نموده و سیاستی ضد انقلابی و ارتجاعی در پیش گرفته است، به هیچ پرسشهایی جز بی پرسشویی نمیتواند پای بند باشد.

سازمانی که رسوائی عظیم ازدواج رجوی با همسرایشمچی را "انقلاب ایدئولوژیک" بنامد قطعاً در مبارزه علیه سازمانهای دیگر حربه دیگری جز فحش و افترا، دروغ پردازی و شاراتانیزم، شیوه های پلیسی و جاسوسی نخواهد داشت. اما اکنون دیگر رسوائی و بی اعتباری مجاهدین خلق از آن حد گذشته است که چهره واقعی آنها بر توده های مردم ایران ناشناخته باقی مانده باشد.

هفت سال سیاست ارتجاعی ستمگرانه و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و نیز مجموعه عملکرد و سیاستهای سازمان مجاهدین خلق به توده های مردم ایران در سبای گرانها و ارزشمندی آموخته است. توده های مردم ایران صحت و حقانیت مواضع ما را علیه رژیم جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین خلق به تجربه دریافته اند. راه دیگری جز بی اعتمادی مطلق به احزاب و سازمانهای بورژوازی و مبارزه برای بدست گرفتن قدرت توسط خود توده های مردم ایران برهبری طبقه کارگر در برابر توده های مردم ایران باقی نمانده است. همه دوستان دروغین خلق، خود در عمل ماهیت خود را افشاء نموده اند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناب سازمانی که از منافع طبقه کارگر بطور اخس و از موضع این طبقه، از منافع عموم توده های زحمتکش دفاع میکند، بمبارزه بلاوقفه و بیکیرانه خود علیه رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک جمهوری حقیقتاً انقلابی و دمکراتیک بعنوان هدف فوری طبقه کارگر ایران بمبارزه خود ادامه میدهد.

ما وظیفه خود میدانیم در همان حال که در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بمبارزه ادامه میدهم، ماهیت عموم سیاستهای ضد انقلابی و ارتجاعی مجاهدین خلق را بلاوقفه در میان توده های مردم ایران افشاء کنیم و بیش از پیش چهره واقعی آنها را بر ملا سازیم. مجاهدین خلق جز رسوائی و بی اعتباری روزافزون، آینده ای در برابر خود ندارند.

اگر شیوه هایی که آنها علیه سازمان ما بکار گرفته اند، بیانگر چیزی جز روشکستگی سیاسی نیست، بگذار آنها بمناب پاسداران نظم موجود یاوه سرائی کنند، هرچه میخواهند بگویند و بنویسند و به کثیف ترین شیوه ها در مبارزه متوسل گردند. ما بمبارزه خود بیکیرانه تر ادامه خواهیم داد و پیروزی از آن ماست. در این مبارزه جز رسوائی و بی اعتباری هرچه بیشتر چیز دیگری عاید مجاهدین نخواهد شد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

رشد باد سوسیالیسم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پیوند جنبش طبقه کارگر با جنبش خلق کرد یا منجلا ب رفرمیستی راه کارگر؟

عهده گرفته و "با ما عددیدن اوضاع"،
میانه راه برای بازکردن پای اسلاف خود
به کردستان آماده می نماید.

راه کارگر که از مدتها پیش با
برباد وحدت با هر کس که قلمی قدسی
آرد، لیبرالیسم آشکار و تفاد عمیق
بود را با سیاست مستقل پرولتری
معا یان ساخته است، در برخورد به جنبش
'انقلابی' خلق کرد نیز مبین لیبرالیسم
و ناسیونالیسم گشته است. راه کارگر
عما نظور که در هر خورد به
معضلات جنبش انقلابی
سراسری همواره از تشدید تضادهای
طبقه‌ای به وحشت افتاده و با تبلیغ
سازش طبقه‌ای سیاستهای رفرمیستی را
پیشه خود ساخته و بانفی هژمونی
طبقه کارگر در مورد انحلال تشکلهای
طبقه‌ای کارگران در تشکلهای بورژوازی
می باشد، در جنبش انقلابی خلق کرد نیز
با مستمک قرار دادن "جنبش ملی -
دمکراتیک خلق کرد" بانفی سیاستهای
مستقل پرولتری در قبال جنبش خلق کرد،
به دنبال روی از بورژوازی و اتخاذ
سیاستهای بورژوا ناسیونالیستی
پرداخته است.

راه کارگر که تا کنون مجدانه
تلاش میکرد مبارزه ملی در کردستان
تحت الشعاع مبارزه طبقه‌ای قرار بگيرد
این بار در ریگای کریکا شماره ۳۲،
برای آنکه آشکارا و صراحتا رابطه
جنبش انقلابی خلق کرد با جنبش
سراسری طبقه کارگر را نفی نکند ناچار
از کلی گویی شده است. هر چند که
عبارت پرداختن به زیادهای کلی راه کارگر
نتوانسته اس و اساس دیدگاه او مبنی
بر تضعیف جنبه‌های طبقه‌ای جنبش
انقلابی خلق کرد، نفی پیوند دیا لکتیکی
بین دو جنبه مسائل ملی و طبقه‌ای
و تاکید یک جانبه بر مسئله ملی را
بیپوشاند؛ ریگای کریکا بر سرازاشیه
پردازی در مورد "عامل اصلی بوجود
آورنده هرنوع ستمی" چنین می نویسد:
"جنبش خلق کرد باید با جنبش
طبقه کارگر پیوند هر چه مستحکمتری

پیدا نماید تا در اثر تاثیر متقابل آنها
بر یکدیگر، از یکسو راه پیمایی طبقه
کارگر برای دستیابی به سوسیالیسم
سهل تر شود و از سوی دیگر جنبش خلق
کرد امکان دست یافتن به پیروزی
قطعی را پیدا کند" (ص ۱۳)

پس از نظر راه کارگر پیوند جنبش
خلق کرد با جنبش طبقه کارگر برای
تاثیر گذاری متقابل بر همدیگر است نه
"تأمین رهبری" طبقه کارگر "بر اقرار
و طبقات دیگر"، البته تا اینجا
راه کارگر با کلی بافی سعی کرده است
که کنه دیدگاه انحرافی خود را
بیپوشاند، اما وقتی راه کارگر میکوشد
که طرح مشخص و عملی خود را ارائه دهد،
استراتژی و تاکتیک خود را معین سازد،
درک مکانیکی او از پیوند جنبش طبقه
کارگر با جنبش خلق کرد آشکارتر
میشود. راه کارگر با گنجری و سردرگمی
همیشگی خاص خود میگوید:

"با توجه به اینکه در کردستان
طبقه کارگر نیرومندی وجود ندارد، گرچه
سازماندهی مستقل کارگران کردستان
ضرورت تخطی ناپذیر دارد و همیسن
تشکل مستقل کارگری میتواند تممینی
برای ادامه کاری جنبش خلق کرد بوجود
آورد، اما جنبش خلق کرد باید پیوند
خود با جنبش کارگری را از طریق پیوند
با جنبش طبقه کارگر سراسری -
دنبال نماید و کارگران کردستان به
عنوان بخشی از طبقه کارگر ایران نقش
حلقه رابط و لولای اتصال جنبش خلق
کرد با جنبش طبقه کارگر ایران را ایفا
خواهد نمود". (ص ۱۳)

با این بیان، راه کارگر به شیوه
معمول اپورتونیستی خود سعی کرده است
که مسئله سازماندهی مستقل کارگران
کردستان و ارتباط این تشکل را با
تشکل سراسری طبقه کارگر در زمین و
هوا مطلق باقی بگذارد، تا برای
برده افکندن بر نظرات رفرمیستی خود،
هم از تشکل مستقل کارگری محبتی کرده
باشد و هم از ضرورت پیوند جنبش
کارگری با جنبش خلق کرد، اما در واقع

راه کارگر از سویی در جهت افتراق میان
کل طبقه کارگر، کارگران کردستان را
از کل طبقه کارگر ایران جدا میازد
و از سویی دیگر چنین وانمود میکند که
گویا با چرخ و لولاهای مکانیکی
میتواند رابطه‌ای بین جنبش خلق کرد
و جنبش طبقه کارگر ایجاد نماید. این
درهم‌اندیشی ناشی از عدم اعتقاد
راه کارگر به قانونمندیهای مبارزه
طبقه‌ای است. وقتی راه کارگر میان
مبارزه ملی و مبارزه طبقه‌ای تقسیم
و تاخر متافیزیکی قائل میشود، باید
هم از جدا سازی تشکل کارگران کردستان
با تشکل کارگران سراسر ایران و از
کارگران کردستان بعنوان "حلقه رابط
و لولای اتصال" جنبش خلق کرد با
جنبش طبقه کارگر ایران دم بزند. راه
کارگر پس از طرح ضرورت سازماندهی
مستقل کارگران کردستان، با گفتن
اینکه "اما جنبش خلق کرد باید پیوند
خود با جنبش کارگری را از طریق پیوند
با جنبش طبقه کارگر سراسر ایران دنبال
نماید" بخوبی نشان میدهد که متظنور
او از این عبارت سازماندهی مستقل
کارگران کردستان جدا از جنبش سراسری
طبقه کارگر ایران می باشد.

بیگانگی راه کارگر از مارکسیسم -
لنینیسم عاملی است که مانع درک او از
وحدت و همبستگی طبقه‌ای کارگران سراسر
ایران و لزوم تشکل کارگران کرد،
فارس، عرب، بلوچ و ترک و... در
سازمان سراسری طبقه کارگر، در حزب
طبقه کارگر ایران می باشد. طبیعی
است که پیوند جنبش خلق کرد با جنبش
سراسری توده‌های زحمتکش ایران که بر
مبنای استراتژی واحد سرنگونی رژیم
جمهوری اسلامی و نابودی مناسبات
اقتصادی، اجتماعی حاکم، پایه گرفته
است با رهبری طبقه کارگر برکل جنبش
توده‌های زحمتکش سراسر ایران میتواند
استحکام باید و پیروزی قطعی این
جنبش تنها با اعمال رهبری طبقه کارگر
بر مبارزات زحمتکشان و خلقهای سراسر
ایران امکان تحقق می یابد.

اما راه کارگر با این کلی بافیها
و تناقض گوییها نمیتواند فدیست
آشکار خود را با تعمیق مبارزه طبقه‌ای
و ضرورت سازمان یابی مبارزات خلق
در صفحه ۱۱

پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد در گرو چیست؟

خلق کرد خود با موانع متعددی روبرو است. رهبری جریانات غیر پرولتری و ناسیونالیستی برای جنبش که تا شير مستقیم خود را در عدم پیشبرد مبارزه ای هدفمند، با برنا میبرد و سازمان یافته منحل میسازد، یکی از صفهای اساسی این جنبش است که روند تکاملی آنرا در معرض مخاطرات جدی قرار داده است. حزب دمکرات کردستان که مدعی رهبری بلامعارض این جنبش است، طی پروسه هفت ساله عملکرد خود، بیانگر عدم کفایت رهبری یک جریان غیر پرولتری در جهت تحقق اهداف جنبش انقلابی خلق کرد و تامین خواسته های انقلابی - دمکراتیک رزمندگان کردستان است. گفتار رادیوئی مورخ ۶۵/۱/۲۶ حزب دمکرات تحت عنوان "جنبش ما این بار پیروز خواهد شد" تلاشی جدید حزب را در جهت به انحراف کشاندن مبارزات خلق رزمندگان کرد، از مسیر اصلی خود عیان میسازد. حزب دمکرات در این گفتار رادیوئی ضمن مروری بر سابقه تاریخی جنبش خلق کرد در مورد شرایط شکل گیری "جنبشهای گذشته" و علل شکست آنها میگوید: "جنبشهای گذشته کردستان در شرایطی شکل گرفته است که فئودالیم بر سر کار کردستان حاکم بوده است و رهبری اکثر این جنبشها را روسای عشایر، فئودالهای بزرگ و یا شخصیت های دینی بر عهده داشتند، یکی از خصوصیات رژیم فئودالیم نوعی خود بزرگ بینی فئودالهاست که بر اثر آن حاضر نمیشوند کسی را بالاتر و بزرگتر از خود بشناسند و به هیچ وجه رضایت نمیدهند که قدرت خود را بخاطر مصلحت مملکت و مردم از دست بدهند همین که فشار حکومت را احساس کرده اند نه فقط از کمک به جنبش سرباز زده اند بلکه علیه آن نیز وارد عمل شده اند."

حزب دمکرات در حالیکه ظاهراً کوشیده است تا دلایل شکست جنبشهای خلق کرد را در گذشته تحلیل نماید اما در واقع دلایل اصلی شکست این جنبشها را با طرح مائستی از قبیل: "خود-

ایران را به سرانجام لطمی خود برساند، و این هدف تنها با اعمال اراده طبقه کارگر میتواند عملی گردد، زیرا خلعت فدا مبریا نیستی - دمکراتیک رند سرمایه داری وابسته انقلاب دمکراتیک بوده ای ایران و نقش و رسالت تاریخی طبقه کارگر در تحولات اجتماعی، اجتناب ناپذیری رهبری طبقه کارگر را برای حصول پیروزی قطنی انقلاب الزام آور میسازد. طبقه کارگر ایران که بنا بر رسالت تاریخی خود اساساً در راه استقرار سوسیالیزم و ایجاد یک جامعه عاری از ستم و استثمار مبارزه میکند، بیکرترین طبقه انقلابیست که منافع خود را در تحقق هر چه رادیکالتر اهداف انقلاب دمکراتیک می بیند. طبقه کارگر، تنها انقلابیست که قادر است توده های وسیع زحمتکش را با تکیه بر دمکراسی پیگیر پرولتری در انقلاب دمکراتیک توده ای رهبری کند و انقلاب را به پیروزی قطنی برساند. هیچ طبقه و قشر دیگری قادر نیست انقلاب را به سرانجام قطنی اش برساند.

از جمله اهدافی که تحقق آنها با پیروزی انقلاب دمکراتیک - توده ای بران بنابه وظایف مرحله انقلاب در دستور قرار داده است، حق تعیین رنوش کلبه ملل تحت ستم ایران تا سرحد جدایی و تشکیل دولتهای مستقل است. تنها با پیروزی انقلاب دمکراتیک توده ای ایران میتواند تضمین عملی واقعی بیاورد. خلقهای سراسر ایران بها با مبارزه ای متحد و متشکل تحت رهبری طبقه کارگر میتوانند با رنکونی رژیم جمهوری اسلامی و برقرار ی اکمیت انقلابی توده ای به حق تعیین رنوش خویش دست یابند.

جنبش انقلابی خلق کرد نیز بنابه قانون فعال مبارزه و سبیل مقاومت لقیهای ایران علیه رنوش موری که رضعیف قدرت و ثبات رژیم جمهوری اسلامی ایفا مینماید، اما به تنهایی قادر به رنکونی این رژیم و درهم جوبیدن ماشین دولتی نمی باشد. رنکونی رژیم تنها با یک قیام مسلحانه و ده ای در سراسر ایران ممکن میگردد. بنا بر این پیروزی جنبش انقلابی خلق رد در گرو پیروزی انقلاب دمکراتیک توده ای ایران است.

گسترش و تعمیق جنبش انقلابی

سربزرگ بینی فئودالها " مخفی ساخته و به نوعی به دفاع از فئودالها پرداخته است. حزب دمکرات با این استدلال میخواهد بر ماهیت ارتجاعی نظام فئودالیم که ستم ملی یکی از ظواهر این نظام است، پرده ساتر افکنده و تضاد طبقاتی زحمتکشان کرد را با فئودالها و دیگر مرتجعین بهوشاند. آنچه مورد مخالفت حزب دمکرات با فئودالها می باشد خود بزرگ بینی فئودال است که "بر اثر آن حاضر نمیشوند کسی را بالاتر و بزرگتر از خود بشناسند" بدین وسیله حزب میگوید که صف خلق رند خلق، انقلاب و فئودالها را مخدوش ساخته و نسبت به فئودالها در اذهان توده ها توهیم ایجاد نماید. حزب دمکرات دشمنی طبقاتی عمیق فئودالها را با منافع زحمتکشان و فدیت آنها با هر گونه جنبش ترقی خواهانه و دمکراتیک را در اینک فئودالها " به هیچ وجه رضایت نمیدهند که قدرت خود را بخاطر مصلحت مملکت و مردم از دست بدهند..." لاپوشانسی میکند. اگر در مقطعی "روسای عشایر، فئودالهای بزرگ و یا شخصیت های دینی" در راس جنبش قرار گرفته اند با هدف شکست و به انحراف کشاندن این جنبشها، در جهت دفاع از نظام حاکم و تامین منافع بوده است که اگر مطابق دلخواه آنان جنبش در مسیر انحرافی خود میتواندست حکومت این مرتجعین محلی را متحقق نماید، مطلوبترین شکل تامین منافع طبقاتیشان را در بر میداشت و به همین دلیل نیز هدفشان از شرکت در جنبش بهیچوجه بزم حزب دمکرات قصد "کمک به جنبش" نبوده است.

بر خلاف تصور حزب دمکرات در جنبشهای گذشته خود بزرگ بینی فئودالها با سرباز زدنشان از کمک به جنبش نبوده است که مانع پیروزی جنبش می شد، بلکه حرفا و مطلقاً شرکت فئودالها و روسای عشایر در جنبش بهشوان مهمترین عامل شکست ایمن جنبشها محسوب میشود.

حزب دمکرات در ادامه گفتار خود و جهت تیز شرایط فعلی جنبش را با شرایط گذشته چنین توصیف میکند: "اکنون سرمایه داری نوپا روابسط جدیدی با خود آورده است، مردم

دراستی

مطابقه گران چهره بورژوازی

مرکز آیت الله شریعتمداری یکبار دیگر مناسبی مهیا کرد تا حزب دمکرات باز هم تبحر خود را در سیاستمداری به آزمون بگیرد و به بازی مشغولکننده اش با مفاهیم سیاسی و مبارزاتی ادامه دهد.

حزب دمکرات کردستان ایران، روز ۱۸ فروردین ماه یکپزار وسیع و شمت و پنج در یک گفتار رادیوئی به مناسبت درگذشت آیت الله شریعتمداری به موضوعی پرداخت.

حزب در این گفتار رادیوئی بعد از اعلام خبر مرگ و تدفین شریعتمداری سرخ را با یک "داستان" که به شده از روابط شریعتمداری با خمینی آغاز کرد و شمعهای از چمگیرترین فعالیت های مذهبی او را از "حوزه های علمیه قم" طی سالهای ۴۲ تا بهمن ۵۷ بمیان کشید و با سر فرو کردن در چهره نامه فقها و زعمای ایران، الواج زربینی مزین به خدمتگزاریهای شریعتمداری را به جامعه آیت الله ها بیسروون کشید و درباره آنان به سخن سرایی پرداخت.

حزب دمکرات، همچنین با انتساب مفاتی خاصه به شریعتمداری به تعریف و تمجید از خصوصیات فردی و سیاسی او پرداخت و بعد از مقایسه وی با دیگر مراجع مذهبی، به نیابت مردم، شریعتمداری را این لیبرال فسیل و واخورده را که با سرکشی کردن زحمتکش و دخل تصرف و مشارکت در اموال و زمینهای موقوفه به ثروتهای قارونی رسیده و در عالم سیاست حزب دمکرات پسند به بندبازی مشغول بسود و سرانجام به توابعین درگاه خمینی بیبوست رانردی با "نفوذ" معرفی کرد و او را از رهبران مخالف علییه "بیدادگری و استبداد سلطنتی شاه"، "مخالف استبداد خمینی" و "مبشر ازهر پیز" طرفدار دمکراسی و آزادیهای دمکراتیک خواند.

حزب دمکرات در این گفتار که تلاشی نمود با زبتهای دمکرات منشانیه شریعتمداری را بعنوان یک کسی از مخالفان معروف و با نفوذ خمینی از

دیگر آیت الله ها متمایز گردانید و دین خود را نسبت با ادا نماید، اما راز این جانبداری درجایی دیگر نهفته بود. مسئله حزب دمکرات مراجعت به دستگاه مذهبی و کشف علت السبل کسب "نفوذ" رهبران مذهبی در بین پیروانشان و اهمیت داشتن یک چنین "نفوذی" بود و لاغیر! اینکه برای حزبی "دمکرات" و معتقد به "سوسیالیزم" عطف توجه خیره کننده به اهمیت "نفوذ مذهبی" دارای چه معنایی است معلوم نیست! حزب دمکرات در حالیکه ضعیف کنشارش در توضیح جوهر اختلافات "مقامات عالی مذهب" نظیر شریعتمداری با خمینی نشان میدهد که آنان نه درگیر جنگ و جدال بر سر منافع توده ها، دفاع از آزادی و علیه استبداد بلکه آنها بر سرچگونگی اداره دستگاه مذهب، این دیو تحمیق و جهالت، بر سر اجرای قوانین حکومت مذهبی و تقسیم قدرت بیکدیگر دهن کجی میکنند و در حالیکه خود میگویند:

"هنگامیکه مسئله تعیین قانون اساسی و ولایت فقیه مطرح گردید، اختلاف نظر به حد اعلای خود رسید... زیرا از نظر مذهبی این مسئله را به معنای بزرگ کردن بیش از اندازه یک مرجع و در مقابل تضعیف وی اعتبار کردن مراجع تقلید میدانست، حزب با زهم شیفتگی اش را نسبت به "نفوذ" رهبران بزرگ مذهب پنهان نمیدارد و با آه و سوزن یکی از آنان بالحنی نرمگشانه براهمیت این "نفوذ" تاکید میکند و دلستکی اش به دیگر رهبران با "نفوذ" که هم اینک نیز در قیاس حیاتند را نشان میدهد.

حزب میگوید:

"خمینی خود بسیار خوب از نفوذ کلام مقامات عالی مذهب در بین پیروان مذهبی آگاه است و خطر بالقوه ای را که از جانب شخصیت های بزرگی چون شریعتمداری در طول زمان ممکن است متوجه قدرت و اقتدار استبدادی او شود بخوبی درک میکند." ملاحظه کردید؟ حزب دمکرات چگونه با اطمینان از "نفوذ" و سپس خطر بالقوه "شخصیت های بزرگی چون شریعتمداری" علیه "قدرت و اقتدار استبدادی" خمینی سخن میگوید!

باز هم توجه کنید! حزب میگوید:

"آیت الله شریعتمداری سچون دیگر آیت الله های عالی مقام مخالف ولایت فقیه به حاشیه محنه رانده شد، آنها واقعا "شخصیت های بزرگ" و "آیت الله های عالی مقام" در حاشیه محنه "مدای حزب دمکرات را شنیده اند؟ و آیا اضطراب مشتاق خود را درک کرده اند؟ الله اعلم! (تاکید از ماست) بجاست تا برای تفهیم بهتر گفتار حزب کمی بیشتر در آنها تعمق کنیم. ببینیم حزب از خصوصیات فردی و نظرات سیاسی آیت الله با "نفوذ" چه تصویری ارائه داده است.

"آیت الله شریعتمداری روی - هم رفته شخصی بود که از لحاظ اخلاقی و شخصی، سلیم النفس و ملایم بنظر میرسد، این اخلاق شخصی در نظرات سیاسی وی نیز منعکس بود بطوریکه میتوان وی را میان درو حساب کرد وی خود را طرفدار دمکراسی و آزادیهای دمکراتیک معرفی میکرد، و از کسانی بود که به دخالت مذهبی ها در امور سیاسی و مملکت داری چندان اعتقادی نداشت و این امر را به زیان مذهب و موجب بی اعتبار شدن مقامات مذهبی میدانست... شریعتمداری موافق دخالت بیش از اندازه شخصیت های مذهبی در امور کشورداری نبود." (به نقل از گفتار رادیوئی حزب دمکرات ۱۸ اردیبهشت ۶۵ - تاکید از ماست)

دقت کنید! حزب دمکرات در این بخش از بیانات خود بطرح دو موضوع مهم میپردازد. اول اینکه شریعتمداری یک فرد "میان درو" و "طرفدار دمکراسی" و آزادیهای دمکراتیک "بوده است، دوم اینکه او با دخالت بیش از اندازه شخصیت های مذهبی در امور کشورداری موافق نبوده است.

حزب دمکرات علیرغم حاشیه پردازیهایش در اینجا چکیده کلامش را گفته است. حزب در موضوع اول سعی نموده است به تبلیغ نوعی از دمکراسی عوامانه و بیان تنهی بپردازد و در موضوع دوم از جانب شریعتمداری دخالت "باندازه" شخصیت های مذهبی در امور کشورداری را جایز شمرده و نوعی از فد دمکراسی را تبلیغ کرده است.

اگرچه این دو موضوع مجزا از هم بیان گشته اند، اما دقیقاً در ارتباط با هم مضمون واحدی را حمل در صفحه ۱۵

یاد اسماعیل شریف زاده ویارانانش در آرمان خلق کرد زنده است !

۱۲ اردیبهشت ، سالروز شهادت اسماعیل شریف زاده ، وقتی چند از همزمانش ، در تاریخ مباررات خلق کرد بعنوان یکی از نقاط برجسته درخشانی از جانشانی و قهرمانی پرچمداران این مبارزه ، الهام بخش مبارزان راستین راه رهائی این خلق ستمدیده گشته است .

در چند دهه اخیر ، بعد از اصلاحات ارضی شاه در سال ۴۱ بورژوازی ایران برای تحکیم مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری و برقراری یک دیکتاتوری متمرکز و همه جانبه ، در جهت به انقیاد کشاندن توده ها به اعمال سرکوب و تسلط جست . رژیم سلطنتی با تحمیل وضعیت رفعت بار اقتصادی ، استکبری سیاسی را با وج رساندن و غلبه کارگران و زحمتکشان سراسر ایران به اعمال قهر برداخت تا بلکه شرایط وجودی تسلط طبقه حاکم را حفظ نماید . رژیم که با زور و شکنجه و گشتار و مداخله پلیسی در زندگی اتحاد جامعه اگرچه بروی سر نیزه بظاهر یک جزیره افسانه ای از "ثبات" و "امنیت" را برقرار نمود ، در جامعه اما تضادها و درونی مردم عشق و زرفای بیشتری می یافت .

کردستان نیز با وجودیکه به لحاظ عینی ، همواره از زمینه تحرک مبارزاتی برخوردار بود ، ولیکن طی این سالها در نتیجه سرکوبندید و اثرات شکستهای گذشته کدوده های ستمدیده با آن مواجه گشته بودند در یک دوران رکود فرو رفته بود .

انقلابی خود ، آگاهگری در بین توده های ستمدیده و سازماندهی مبارزه مسلحانه در کردستان را در صدر وظایف خود قرار داده بودند و با انشای ماهیت رفرم ارضی و سترگری سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی دستگاه سلطنتی شاه به تبلیغ در بین دهقانان پرداختند و به نیروهای مورد اعتماد زحمتکشان میل گشتند .

انکاس فعالیت شریف زاده و همزمانش در بین توده ها و تاثیرات آن رژیم شاه را واداشت تا با تمام قدرت سروی سرکوبش را برای نابودی آنها متمرکز نماید تا از منطقه دور شدن آن مبارزه مسلحانه در کردستان جلوگیری بعمل آورد .

سرانجام در روز ۱۲ اردیبهشت نیروهای سرکوبگر شاه اعم از ارتش ، ژاندارمری و جاشا درگیری نابرابری را به شریف زاده و جمعی از یاران دلیرش در روستای "دارینه" در منطقه یانه تحمیل نمودند که طی آن شریف زاده و ۴ تن از مبارزان راه - رهائی خلق کرد در حالیکه قلبشان مالا مال از عشق به زحمتکشان ، عشق به آزادی و رهائی میطید و با آتش گرم سلاح خود خشم فروخته خلقی ستمدیده را فریاد میزدند ، قهرمانانه جان باختند .

به روز بعد نیز سلیمان معینی از همزمان دیگر شریف زاده به دستور ملامطفی بارزانی در نتیجه یک توطئه به شهادت رسید . رژیم شاه بیکریجان سلیمان معینی را برای ابراز قدرت و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم ، در میادین شهرهای کردستان به نمایش گذاشت .

مبارزهای که شریف زاده و همزمانش نخستین پرچمداران آن بودند ، اگرچه بسرعت سرکوب گشت ، اما از آنجا که این انقلابیون با درک شرایط ضرورتیهای موجود ، به تاکتیک مبارزه مسلحانه روی آورده بودند ، مشعلی را برافروختند و بدر مبارزهای را برانگیزند و خون سرخشان را بپای آن جاری ساختند که در سرفملی دیگر (۱۰ سال بعد و در جریان جنبش سراسری) آنچنان شکوفان گشت که هزاران دست در جهت ادامه این مبارزه سلاح را در خود فشرد .

جنبش انقلابی خلق کرد امروز بعد از ۷ سال در مقابل سرکوب عنان گسیخته رژیم جمهوری اسلامی همچنان استوار و محکم در راستای تحقق اهدافی به پیش میرود که شریف زاده ها بهر تحقق آن پای فشردند و جان خود راوشیقه آن گردانیدند . اهدافی که باید با سرنگونی رژیم ضد خلقی حاکم و برقراری جمهوری دمکراتیک کارگران و زحمتکشان و اجرای مطالبات دمکراتیک ، مناسبات پیوسیده و قرون وسطایی را از میان برداشته و با ایجاد یک زندگی نوین راه ترقی و پیشرفت را در جامعه کردستان گشوده و کارگران و زحمتکشان این سرزمین را بر سرنوشته خویش حاکم گردانند به همین دلیل است که امروز یاد رزمندگان راه رهائی خلق کرد از قید ستم ملی و کسب حق تعیین سرنوشت در سالهای ۴۷ - ۴۶ ، یاد شریف زاده و همزمانش در آرمان خلق کرد زنده است و نام آنان در تاریخ مبارزات خلق کرد جاودان گشته است .

در افتای ...

مدافع برخاست ، چنانچه بگوئیم درک نمیکرد جمهوری ، اگر اسلامی باشد ، دیگر دمکراتیک نخواهد بود ، امروز تقویت غیر مستقیم او هام دینسی از کانال تبلیغ حول مروجین رسمی آن توسط حزب دمکرات و تبلیغ دولت مذهبی "تخصیصی عالی مقام" و "مراجع تقلید" مرتجع و تاکید بر ضد دمکراسی نشان میدهد حزب دمکرات علیرغم تلاشهای خود برای حفظ ظاهر تاجه حد درجیت رسیدن به شعارهای روزانه خود بیکری دارد و چگونه حتی دمکراسی و خود مختاری مورد ادعای خود را نیز بخش میکند .

این است جلوه ای از حقایق سیاسی حزب دمکرات که علیرغم برخی ظواهر آراسته ، هرازگاه در عملکرد های آن بازتاب یافته و گام به گام محتوای درونیش را عیان ترمینماید .

از تجارب کارگران و زحمتکشان ویتنام در پیشبرد انقلاب بیاوزیم

روز ۳۰ آوریل ۱۹۷۵ برابر با دهم اردیبهشت یک هزار و سیصد و پنجاه و چهار، روز فتح سایگون، بزرگترین پیروزی خلق قهرمان ویتنام بر امپریالیسم آمریکا و مزدوران سرکوبگرش و ۱۹ ماه می (۲۹ اردیبهشت ماه) برابر است با نود و ششمین سالروز تولد رفیق هوشی مین کمونیست سخت کوش و رهبر توانای کارگران و زحمتکشان ویتنام.

مردم ویتنام که ده سال مبارزه رنجناک بخش فدا امپریالیستی خود را در سال ۱۹۴۵ با آزادسازی شمال از زیر یوغ امپریالیستهای استعمارگر سر به پیروزی رسانده بودند، در ادامه مبارزات خود علیه امپریالیستهای فرانسوی سرانجام در شهریور پیروز شدند. دین بین نو در ۷ مارس ۱۹۵۴ با شکست کامل امپریالیسم فرانسه در ویتنام برداشته پیروزیهای خود افزودند. پس از شکست استعمارگران فرانسوی در هندوچین، امپریالیسم آمریکا به گسترش نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی همه جانبه خود در جنوب ویتنام دست زد، اما زحمتکشان ویتنام به رهبری طبقه کارگر این کشور که در رأس خود حزب انقلابی طبقه کارگر را داشت توانست با مبارزات قهرمانانه خود بوزه امپریالیسم جهانی برگرداند. امپریالیسم آمریکا را با خاک بمالد. پیروزی کارگران و دهقانان ویتنام، با تأمین هژمونی طبقه کارگر، برجانبش فدا امپریالیستی - دمکراتیک خلق ویتنام به سرانجام قطعی خود رسید. این پیروزی نتیجه ایجاد سه رکن اصلی تحقق اهداف انقلاب یعنی سه تشکیل حزب طبقه کارگر، جنبه توده ای و ارتش خلق و تأمین رهبری حزب طبقه کارگر در "جنبه آزادیبخش ملی" و "ارتش آزادیبخش توده ای" ویتنام است. در اواخر سال ۱۹۶۰ به ابتکار انقلابی کمونیست ها و در راستای رفیق هوشی مین، برای رهبری مبارزات خلق ویتنام "جنبه آزادیبخش ملی ویتنام"

تشکیل یافت و چند ماه بعد ارتش آزادیبخش ویتنام برای سازماندهی هدفمند نیروی قهر توده ای ایجاد گردید. حزب کمونیست که مبتکر و پایه گذار ارتش رفیق هوشی مین بود با اعمال هژمونی خود بر ارتش توده ای و با جابجایی بی نظیر مبارزات حماسی کارگران و زحمتکشان ویتنام را تا کسب پیروزی نهایی رهبری نمود. کارگران و زحمتکشان ویتنام تحت رهبری حزب کمونیست سازماندهی نظامی توده ای تحت فرماندهی ارتش آزادیبخش توده ای بعد از دهها سال مبارزه خوشین، برانیوهی ویرانه، سوسیالیزم را برپا داشتند.

حزب کمونیست، حزب آهنین طبقه کارگر در پرتو رهبری متمرکز و قاطع خود کلیت اصول مارکسیسم - لنینیسم را بر خط مشی آن با تأکید بر قهر انقلابی با قدرتی بی نظیر در وظیفه متفاوت خود را در مناطق مختلف یعنی بنای ساختمان سوسیالیسم در شمال و آزادسازی جنوب را بموازات هم پیش برد. در این سالها وفاداری حزب کمونیست ویتنام به اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم و حفظ استقلال ایدئولوژیک سیاسی نقش تعیین کننده در پیروزیهای آتی خلق ویتنام ایفا نمود. حزب کمونیست ویتنام ضمن تأکید بر انترناسیونالیسم پرولتری به مرزبندی قاطع علیه کلیه انحرافات رویزیونیستی - تروتسکیستی پرداخت و با رد نظریات اپورتونیستی خروشچ برصحت و حقانیت مارکسیسم - لنینیسم پای فشرد.

بیت و یکمین کنفرانس حزب کمونیست ویتنام که در ماه اکتبر ۱۹۷۳ تشکیل گردید، بر ضرورت یکا رگیر قهر انقلابی تأکید ورزید: "راه انقلابی برای جنوب راه قهر انقلابی است، شرایط هر چه که باشد ما باید لحظه مناسب را انتخاب کرده (موضع) تهاجم استراتژیک را حفظ نموده و فعالانه راه پیشبرد انقلاب جنوب را راه نشانیم"

همچنین حزب کمونیست ویتنام بمنظور تحقق این موضع کنفرانس و جلساتی را با طرح، برنامه سنجیده ای که محصول تکامل و ارتقاء مبارزاتی حزب بود برگزار نمود. کمیته نظامی حزب در ماه مارس ۱۹۷۴ تشکیل جلسه داد و تدوین سیاست جنگ انقلابی بمنظور نابودسازی کامل دشمن و آزاد کردن جنوب را در دستور گذاشت. "کنفرانس نظامی تشدید فعالیت سیاسی برای بالا بردن کیفیت نیروهای مسلح خلق را توصیه نمود و استراتژی حمله و دفع حمله را در برنامه کار قرار داد و تأکید نمود که ارتش خلقی می باید سیاست تهاجم، برپایی قیام ها، در دست گرفتن ابتکار عمل و تنبیه شرایط درهمه جنبه ها را به پیش رانده و شرایط را برای تهاجم همه جانبه و حملات گسترده در سال ۱۹۷۵ فراهم نماید."

در نتیجه اجرای تصمیمات کنفرانس نظامی، ارتش خلق از اکتبر ۱۹۷۴ طی یک سلسله حملات خود به پیروزیهایی دست یافت، که برتری نمایان خود را بر نیروی دشمن به اثبات رسانید. جمع بندی عملکرد ارتش خلقی، در این مقطع رهبری حزب را به نتیجه پیدا شدن نقطه عطفی در مبارزه خلق علیه دشمن رسانید که برپایه ارزیابی عوامل پیدایش این نقطه عطف می باید حمله نهایی طراحی شود.

رهبری حزب با ارزیابی دقیق از موقعیت جدید، تصمیم گرفت که اگر شرایط مناسب بود، بدون وقفه جنوب را در سال ۷۵ آزاد گرداند، جمع بندی حزب بر این مبنا استوار بود:

الف - تضعیف دولت دست نشانده سایگون و عجز و درماندگی امپریالیسم آمریکا در تنبیه وضعیت موجود در جهت ایجاد معادلات جدید بمنظور جلوگیری از سقوط رژیم سایگون.

ب - ارتقاء موقعیت استراتژیکی انقلاب در جهت مرتبط ساختن شمال و جنوب کشور، تحریک جدید توده ای همراه با پتانسیل بالای مبارزات در شهرها علیه رژیم سایگون با خواسته های رفاهی و حمایت قوی مردم جهان از مبارزات مردم ویتنام.

اولین قدم بمنظور جامه عمل

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

از تجارب کارگران و زحمتکشان...

پوشاندن به این جمع بندی، حمله دهم مارس ۱۹۷۵ به شهریان می تات بود که شهر در یک نبرد دو روزه به تصرف انقلاب درآمد. با استفاده از موقعیت مناسب جدید، ارتش خلق وارد عمل شد و در ۱۹ مارس سراسر ایالت کوانگ تری را آزاد ساخت و در ۲۵ مارس شهر هوشه پایتخت کهنسال ویتنام را آزاد ساخت. در همین روز شهر دانانگ توسط نیروهای انقلاب محاصره شد. در نبرد دانانگ هماهنگی کامل بین حملات ارتش خلق و قیامهای توده های ایجاد گردید. که نشان دهنده مقاومت توده ها و اعتلا حرکات توده ای بود. بر اساس این برآورد از روحیات توده ها و شرایط ویژه که دفتر سیاسی حزب آنها در نظر گرفته بود: "اگر شرایط مناسب در آغاز سال ۱۹۷۵ وجود بنمایند مابدون وقفه جنوب را در سال ۱۹۷۵ آزاد خواهیم ساخت" فرا رسیده بود، بنابراین، دفتر سیاسی حزب تصمیم گرفت تمام نیروهای جامعه را برای نبرد نهایی بسیج نماید. ارجحیت نیز به جبهه سایگون داده شده بود. تمام خلق زیر شعار: "سرعت برق، شجاعانه، غافلگیرانه، پیروزی قطعی" بسیج شدند.

شاخه حزب در سایگون با اعمال کردن مردم از طریق هسته های زیادی که در تمام مناطق شهر ایجاد کرده بود، فعالیت جدیدی را آغاز نموده بود. صدها هزار اعلامیه چاپ و پخش شدند. گروه های تبلیغ پیرو مسدود در فعالیت بودند. حزب کارهای شهر را با افزودن نیرو، دائم تقویت میکرد. در همین شرایط، انقلابیون لائوس، بنوم بن را فتح کرده و ضرباتی کاری بر نیروی امپریالیسم آمریکا وارد آوردند. تحت تاثیر این ضربات امپریالیسم که دیگر سرنگونی رژیم دست نشانده خود را در سایگون حتمی میدید، مجبور به خارج ساختن نیروهای خود از سایگون گردید. فوراً در ۲۱ آوریل اعلام کرد: "ما دیگر نمیتوانیم به ویتنامها کمک کنیم. آنها باید با سرخوشتی که در

انتظارشان است، به مقابله برخیزند". تفادهای درونی دولت دست نشانده سایگون زیر فشار مبارزات توده ها به رهبری انقلابیون و خروج نیروهای آمریکا از سایگون به اوج خود رسید. وان تیو ناچار از استعفا گشت و هانگ، جای او را گرفت. در این زمان روحیه ارتش سایگون نیز بشدت تضعیف شده بود. شاخه حزب در سایگون در تدارک یک قیام توده ای بود، که در صورت حمله ارتش خلق و درهم آمیختن با قیام توده ای پیروزی کامل تضمین شود.

ارتش خلق نیروهای خود را در ۵ نقطه اطراف شهر متمرکز کرده بود. طرح حمله با این ترتیب بود: "نقطه اصلی برای حمله و تصرف انتخاب شدند. مقر سر فرماندهی ارتش سایگون، "کاخ استقلال" مقر سر فرماندهی مخصوص منطقه، مقر پلیس و فرودگاه. حمله باید به شکل برق آسا انجام گیرد تا ارتش سایگون فلج شود، شیوه حمله استفاده از همه نیروها و منزوی کردن نیروهای دشمن و جلوگیری از عقب نشینی آنها به داخل محدوده شهر بود. نیروهای توپخانه دشمن می باید بلا درنگ نابود شود. نیروهای انقلاب باید بلافاصله به شهر وارد شده، آنها را تصرف کرده و سپس با قیام توده های دشمن را در خارج شهر نابود نمایند. نیروهای انقلابی درون شهر واحدهای عملیات مخصوص، نیروهای مسلح حفاظتی و نیروهای دفاع از خود تشکیل داده بودند که می باید سریعاً پلها را تصرف کرده، نیروی ارتش خلق را به شهر هدایت نموده و ضد انقلابیون را خنثی نمایند. آنها وظیفه رهبری قیام توده ای در شهر را به عهده داشتند که طرح و نقشه آن در تمام قسمتهای حزبی داخل شهر وسیعاً تشریح شده بود.

سرانجام حمله نهایی ارتش خلق که توسط قیام سازمان یافته به رهبری شاخه حزب از دورن شهر تقویت میشد، با نام عملیات هوشی مین آغاز شد و در ساعت ۱۱/۵ روز ۳۰ آوریل ۱۹۷۵ با برافراشتن پرچم انقلاب بر فراز "کاخ استقلال" سایگون نیز آزاد شد. و به منظور بزرگداشت مبارزات هزاران کمونیست که در راه تحقق آرمان طبقه کارگر جان باختند بودند و گرامیداشت

یاد کمونیست بیکر رهبر کبیر کارگران و زحمتکشان ویتنام، بنام هوشی مین نامگذاری شد. آزادسازی مناطق با قیام توده که سرعت برق انجامید، مبارزات کارگران و زحمتکشان ویتنام در سرنگونی رژیم دست نشانده سایگون و انهدام پایگاه آمریکا در این کشور را به سرانجام پیروزمند خود رسانید. در سراسر جهان کارگران و زحمتکشان با پیروزی ویتنام بر آمریکا غرق در سرور و شادمانی شدند و فردای آن روز کارگران و زحمتکشان ویتنام روز اول ماه می را به نشانه همبستگی با کارگران سراسر جهان جشن گرفتند، اکنون در راه پیروزی اولین گام اساسی برداشته شده بود. گام بعدی تلاش برای استقرار سوسیالیسم بود. با برداشتن این گام سوسیالیسم پیروزی جدیدی در جهان بدست میآورد، و ارتجاع جهانی را بموازات این پیروزی به عقب میراند. اما برای تحقق پیروزی کامل انقلاب باید خرابیهایی را که بر اثر ۳۰ سال سرکوب سلطه گرانه امپریالیستها بر ویتنام تحمیل شده بود، ترمیم میکرد نتیجه این خرابیهها تنها یک میلیون مملول جنگی و هشتصد هزار کودک بی سرپرست، نیم میلیون بیکار یک میلیون بیوه بود. در اثر دهها سال نفوذ تجار و کارخانه امپریالیسم و پایگاه داخلی اقتصاد جنوب ویتنام نیز در معرض نابودی قرار گرفته بود و خود را، در انهدام هزاران روستا تلاشی سیستم کشاورزی و از بین رفتن کلیه راهها و خطوط ارتباطی نشان میداد. انهدام هزاران موسسه درمانی و آموزشی نیز برداشته مشکلات بسیار میافزود. انقلاب با سلب قدرت سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار و نابودی نظام ارتجاعی - بوروکراتیک و ترمیم این همه ویرانی اولین قدمها را برای استقرار ساختمان سوسیالیسم برداشت.

کارگران و زحمتکشان ویتنام پس از دهها سال مبارزه خونین و قهرمانانه، تحت رهبری حزب کمونیست سرانجام دموکراسی و سوسیالیسم را در ویتنام متحد تحت نام "جمهوری سوسیالیستی ویتنام" برقرار ساختند.

ستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهایی بخش سراسر جهان

پیوند جنبش طبقه کارگر با جنبش خلق کرد

یا منجلا ب رفرمیستی راه کارگر؟

کرد تحت رهبری طبقه کارگر بنهسان سازد. راه کارگر همین چندماه پیش مانند هرناسیونالیست بورژوازی که از مسئله ملی بمثابة وسیله ای برای سازش طبقاتی اقشار و طبقات مختلف در جهت منافع خود سود می جوید، اعلام کسرد:

"مسئله ملی همچون سیمانی است که طبقات مختلف خلق کرد را به هم پیوند میزند" (ریگای کریکار شماره ۲۵، ص ۱۸)

"ما میگوییم نباید جنبه ملی را ممنوعا به جنبه طبقاتی غلبه داد، آنرا تحت الشعاع جنبه طبقاتی قرار داد" (ریگای کریکار شماره ۲۴، ص ۱۲)

پس طبق نظر راه کارگر پرولتاریا نیز برای از هم نگستن پیوندهای مختلف خلق کرد نباید به سیاستهای مستقل خود دست یازد و باید مبارزه طبقاتی را نفی کند که مبدا "جنبه ملی را تحت الشعاع جنبه طبقاتی" قرار دهد. چراکه جنبش، جنبشی ملی است و هژمونی آن نیز با بورژوازی است، برای جلوگیری از خدشه دار شدن این اتحاد ملی هم باید به اراده قدرت فائده این جنبش نیز گردن نهاده. نتیجه تبیی همین تفکر است که امروزه نیز راه کارگر در جهت ارسین بردن ضعف اساسی این جنبش یعنی پراکندگی نیروهای سیاسی فعال آن از طریق "اشتلاقی از نیروهای وفادار به حل دمکراتیک مسئله ملی خلق کسرد" تلاشهای جدیدی را آغاز نموده است. برای راه کارگر که هیچوقت مسئله با چه کسانی، بر سر چه اهدافی و تا کجا میتوان وحدت کرد و اساسا برنامه و پلانفرم انقلابی مطرح نموده است، برای شکل گیری اشتلاقی مورد نظرش صرف "وفاداری به حل دمکراتیک مسئله ملی خلق کرد" کافی می باشد. هرچند راه کارگر کوشیده است که از هژمونی جریان با طبقه خاصی در این اشتلاقی مخفی سیمان نیارد. اما با گفتن اینکه "جنبش خلق کرد برای دستیابی به رهایی خود باید بتواند بیشترین نیروی وفادار به حل دمکراتیک مسئله ملی را با یکدیگر

متحد نموده و بیشترین پیوند با نیروهای وفادار به این امر را برقرار نماید". (ریگای کریکار شماره ۲۲، ص ۱۵) روشن میسازد که هژموسی این اشتلاقی نیز در دست نیروهای غیر پرولتری غالب برجینش خلق کرد قرار خواهد گرفت. چراکه وقتی راه کارگر بطور کلی از جنبش خلق کرد بعنوان محور این اتحاد صحبت میکند، هدفی جز بیان شرمگینانه حرفهای کهنه شده خود مبنی بر "حضور حزب دمکرات بمثابة حزب ملی در جنبش دمکراتیک خلق کسرد" نداشته و بدین وسیله ناشیانه خواسته است که "حزب ملی" مطلوب خود را که تا کنون به بهانه تقدم مسئله ملی بر مسئله طبقاتی به دنباله روی از آن پرداخته است، در پس عبارت کلیسی "جنبش خلق کرد" مخفی سازد.

اما واقعیهای موجود جامعه گردستان برخلاف ذهن عقب مانده راه کارگر و تزه های سازشکارانه و رفرمیستاش، نه تنها زمینه ای برای ایجاد چنین اشتلاقی لیبرالی را در بر ندارد، بلکه وحدت رزمندگان و نیروهای انقلابی را بیش از هر زمان دیگری می طلبد.

جنبش انقلابی خلق کرد بمثابة جزئی از جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک سراسر ایران نمیتواند تنها یک جنبش ملی باشد، جنبش خلق کرد جنبشی ملی طبقاتی است که برای نابودی هرگونه ستم و بخصوص ستم ملی در سراسر گردستان ریشه دوانیده است. کارگران و زحمتکشان گردستان امروزه از آنچنان آگاهی برخوردار گشته اند که از بین بردن ستم مضاعف طبقاتی - ملی را در ارتباط با نابودی مناسبات استثمارگرانه و ارتجاعی حاکم بر جامعه بدانند. آنها نه تنها برای حل مسئله ملی بلکه برای تنفییر و تحولاتی اساسی و اعمال حاکمیت کارگران و زحمتکشان در جامعه مبارزه میکنند. وحدت و اشتلاقی نیروهای سیاسی نیز در بستر این واقعیت عینی امکان پذیر است و اشتلاقی مورد نظر راه کارگر مانند هراشتلاقی بورژوا لیبرالیستی دیگری سرنوشتی جز سرنوشت شورای

ملی مقاومت را نخواهد داشت. ضرورت اتحاد مبارزاتی و وحدت رزمندگان نیروهای انقلابی در شرایط کنونی جنبش انقلابی خلق کرد که هر روز دامنه گسترده تری می یابد بر هیچکس پوشیده نیست. اما این اتحاد نمیتواند تنها براساس "وفاداری" نسبت به حل دمکراتیک مسئله ملی شکل بگیرد. این اتحاد باید بیانگر عمیق ترین پیوندهای مبارزاتی خلق ستعدیده کرد با توده های زحمتکش سراسر ایران و تجسم اراده واحد آنان در یک راستا و جهت واحدی باشد. این اتحاد تنها حول پلانفرمی که در چارچوب برنامه حداقل پرولتاریا تنظیم شده باشد امکان پذیر است. تنها اتحاد و اشتلاقی نیروهای انقلابی حول اهداف زیر با سخگوی یکی از ملزومات عینی این مرحله از جنبش کارگران و زحمتکشان که جنبش خلق کرد نیز وجه تفکیکناپذیری از آن است می باشد.

- ۱- سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت انقلابی.
- ۲- انحلال تمامی ماشین نظامی بوروکراتیک دولتی موجود و تسلیم عمومی خلق و اعمال حاکمیت مستقیم توده ها از طریق شوراهای
- ۳- جدایی کامل دستگاه مذهب از دولت.
- ۴- حق ملت های تحت ستم ایران در تعیین سرنوشت خویش.

- ۵- انفاء کلیه قرار دادهای اسارتبار امپریالیستی، ملی کردن تمام منابع و موسسات متعلق به بورژوازی بزرگ و انحصارات امپریالیستی، ملی کردن تجارت خارجی و موسسات ارتباطی و حمل و نقل بزرگ.
- ۶- ۴۰ ساعت کار، دوروز تعطیل در هفته و یک ماه مرخصی سالانه با پرداخت حقوق کامل به عنوان یک خواست عمومی کارگران.

- ۷- برقراری کنترل کارگری بر تولید و کنترل توده ای بر توزیع.
- ۸- ملی کردن کلیه اراضی، مراتع، منابع طبیعی و زیر زمینی و ضبط نوری اراضی و املاک زمینداران بزرگ و واگذاری آنان به دهقانان و لئو کلیه دیون و بدهی دهقانان به دولت، بانکها، سرمایه داران، ملاکین و رباخواران.

اما پورتوئیسیم راه کارگر به او در صفحه ۲۶

پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد در گرو چیست؟

کرد در مقایسه با مردم سایر مناطق ایران نیز از نظر رشد درجه سواد عقب‌نگهداشته شده است، تحمیل آموزش بزبان فارسی بجای زبان اصلی خلق کرد، امر کسب سواد را برای کودکان و نوجوانان کرد مشکل کرده است. اما بر خلاف نظر حزب دمکرات که رشد آگاهی مردم کردستان را نتیجه روابط جدیدی که "سرمایه‌داری نوپا" ایجاد کرده است، قلمداد میکند آنچه در ارتقاء سطح آگاهی سیاسی و دانش مبارزه توده‌ها نقش اساسی دارد، تبلیغ و ترویج مسائل دمکراتیک و سوسیالیستی توسط نیروهای انقلابی و پیشرو همراه با کسب تجربیات عینی و عملی خود توده‌ها در روند مبارزاتشان می باشد که تاثیر مبارزات زحمتکشان سایر مناطق و اشتغال تجارب آنها موجب تعمیق هرچه بیشتر آگاهی سیاسی توده‌های کرد میگردد. بخش دیگر استدلالهای حزب را برای پیروزی این بار جنبش "محبوبیت پیشمرگان در برابر خلق کرد" تشکیل میدهد. بدین وسیله حزب دمکرات با تاکید یکجانبه بر محبوبیت پیشمرگان در برابر خلق کرد، رابطه ارگانیک مبارزات پیشمرگان با زحمتکشان کردستان را نفی کرده است. "محبوبیت پیشمرگان" در ارتباطی تنگاتنگ با ارتقاء سطح آگاهی توده‌ها و نقش سازمان‌نکرانه و رهبری اصولی و انقلابی مبارزات زحمتکشان توسط نیروهای انقلابی قرار دارد. مبارزات تهرمانانه پیشمرگان خلق کرد ناشی از جنبش انقلابی زحمتکشان کردستان است که هرچه این جنبش تحت رهبری انقلابی رشد و گسترش و تعمیق یابد، پیوند بین توده‌های زحمتکش کردستان با پیشمرگان انقلابیانش عمیق تر شده و بر مبارزات پیشمرگان نیز از نظر کمی و کیفی تاثیر مستقیم خواهد گذاشت. بطور کلی آنچه ادامه و گسترش جنبش انقلابی خلق کرد را تضمین میکند، تا مین رهبری انقلابی برجسته و سازمان‌یابی و تشکیل زحمتکشان در ارگانهای توده‌ای و دمکراتیک و ارتقاء سطح آگاهی آنها با تبلیغ و ترویج نیروهای پیشرو می باشد، اموری که

کردستان آگاه شده‌اند... اما معلوم نیست "سرمایه‌داری نوپا" چه منافعی برای خلق ستدیده کرد داشته است؟ کدام شکل رفاهی، فرهنگی و اجتماعی را برای ملت کرد حل کرده است؟ هرچند که از نظر تاریخی سیستم سرمایه‌داری نسبت به نظامهای ماقبل خود، نظامی متکاملتر است، اما آیا این "سرمایه‌داری نوپا" ستم ملی خلق کرد را محو کرده است؟ فقر و فلاکت عمومی و عقب ماندگی زندگی زحمتکشان کردستان را از بین برده است؟ آزادی، دمکراسی و رفاه برای خلق کرد فراهم کرده است؟ بقایای نظام فئودالیسم و ظواهر عقب ماندگی و فرهنگ ارتجاعی آنها در هم نوردیده است؟ جواب اینست: نه! "روابط جدید سرمایه‌داری نوپا" ادعایی حزب دمکرات نیز برای زحمتکشان کردستان، بجز استثمار و ستم، دیکتاتوری و خفقان سرکوب و فقر و فلاکت هیچ دستاورد دیگری نداشته است. "سرمایه‌داری نوپا" مورد نظر حزب دمکرات نه تنها خواسته و نتوانسته است قاطع و انقلابی مبارزه را علیه مناسبات پوسیده فئودالی به پیش برد بلکه هنوز هم حفظ بقایای همین مناسبات را بعنوان مانع اساسی رشد و تکامل اجتماعی در کردستان در جهت حفظ منافع خود لازم دارد. "سرمایه‌داری نوپا" نه تنها حقوق دمکراتیک خلق کرد را نخواسته است به رسمیت بشناسد بلکه به وحشانه ترین شکلی عامل تداوم هرگونه بی حقوقی و از جمله ستم ملی نیز می باشد. اما این مسائل توجه حزب دمکرات را بخود جلب نمی کند، آنچه مورد دفاع اوست همانا "رابطه جدید" استثمارگرانه ناشی از "سرمایه‌داری نوپا" است. حزب دمکرات وجوه تمایز دیگری نیز بین جنبش کنونی خلق کرد با جنبشهای گذشته قائل است؛

رشد درجه باسوادی و افزایش تعداد دبیلیمه‌های شهرهای کردستان و "محبوبیت پیشمرگان در برابر خلق کرد" که آنها را جزو عوامل پیروزی به حساب آورده است. البته ارتقاء سطح سواد توده‌های مردم، در کسب آگاهی سیاسی و پیشبرد آگاهانه مبارزه عامل مثبتی است اما به تنهایی کافی نیست. هرچند که تحت فشار سیاست‌های شوونیستی رژیمهای حاکم، خلق مبارز

حزب دمکرات بنا بر ماهیت طبقاتی خود نمیتواند توجهی به آنها داشته و تجربه هفت ساله مبارزات خلق کرد از قیام تاکنون و عملکردهای حزب طی این پروسه دقیقاً آنها را آشکار میسازد. حزب دمکرات در این گفتار رادیویی طبق معمول همشگشتی خود را تنها رهبر جنبش خلق کرد محسوب کرده و کوشیده است چنین وانمود سازد که این بار جنبش خلق کرد تحت رهبری حزب دمکرات پیروز خواهد شد. حزب دمکرات میگوید: "علاوه بر اینها پیروزی هر جنبشی به مواضع و سیاستهای سازمانی بستگی دارد که جنبش را رهبری میکند. مبارزه برای رفع ستم ملی بمنابسه عمده‌ترین تقاد بین حکومت مرکزی و مردم کردستان کوشش در راه تحقیق عقاید زحمتکشان، طرح خواسته‌های جامعه کردستان مواضع و محتوای سیاستهای حزب دمکرات کردستان ایران را تشکیل میدهد که... سیاستهای درست و اصولی حزب ما موجب شده است که مردم کردستان از جنبش ملی دمکراتیک خود پشتیبانی کنند." حزب دمکرات با این گفتار کنه اعتقادات خود را آشکار ساخته است. حزب دمکرات پیروزی خلق کرد را در "رفع ستم ملی بمنابسه عمده ترین تقاد بین حکومت مرکزی و مردم کردستان" با رهبری "کاردان" حزب دمکرات خلاصه کرده و عامدانه از عوامل اصلی پیروزی جنبش خلق کرد کلمه ای نیز بزبان نیاورده است. حزب دمکرات بنا بر ماهیت طبقاتی‌اش که در واقع از منافع طبقاتی لایه‌های فوقانی خرد - بورژوازی و بورژوازی محلی خلق کرد دفاع میکند و آنها را "کوشش در راه تحقیق عقاید زحمتکشان" جا میزند با تمایلات شدید ناسیونالیستی خود میکوشد جنبش خلق کرد را در دایره "رفع ستم ملی" محدود ساخته و از ارتقاء آگاهی طبقاتی زحمتکشان کرد جلوگیری بعمل آورد. ضرورت اجتناب ناپذیر پیوند جنبش خلق کرد با جنبش سراسری خلقهای ایران بعنوان یکی از عوامل اصلی پیروزی خلق کرد، مسئله ایست که حزب دمکرات با هدف محدود ساختن خواسته‌های زحمتکشان کرد در "رفع ستم ملی" همواره در نفی آن میکوشد. محدود کردن خواسته‌های زحمتکشان کرد به "رفع ستم ملی" گذشته از آنکه منایر با واقعیتهای موجود جامعه کردستان

پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد در گرو چیست؟

است. نیرو و قدرت حزب و سایر
جریانهای سیاسی نیز برپایه مبارزات
خلق کرد توانسته است شکل بگیرد و
تأثیرات متقابل منفی و مثبت غیرقابل
انکار را بر آن به جای بگذارد.

سیاستهایی که حزب دمکرات آنها
را "درست و اصولی" قلمداد میکنند و در
سایه آنها نیز کسب پیروزی جنبش مورد
نظر خود را دنبال می نماید کدامند؟
و تأثیرات آن بر جنبش خلق کرد چیست؟
و اساساً مفهوم پیروزی جنبش از نظر
حزب دمکرات کدام است؟

تبلیغ سازش طبقاتی، ازکانشال
طرح شعارهایی کلی و بی محتوی مانند
مبارزه در راه دمکراسی و "تحقق
عقاید زحمتکشان" و عمده کردن مسئله
ملی و تلاش برای محدود کردن مبارزه
خلق کرد متناظر با سیاستی که حفظ
ماشین بوروکراتیک - نظامی را در دستور
دارد. سیاستهای سازشکارانه و مآشات
- طلبانه با رژیم جمهوری اسلامی و
اپوزیسیون بورژوازی فد انقلابی و
رفرمیستهای خائن توده ای و اکثریتی،
انحصار طلبی و تنگ نظری و نفوذ اصول
ناظر بر جنبش خلق کرد و به تبع آن،
بحرانی نمودن مناسبات نیروهای
سیاسی فعال در کردستان، تداوم سیاست
جنگ طلبانه غیراصولی و غیرمشولانسه
با کومله، همه و همه سیاستهایی است
که از طرف حزب دمکرات "اصولی و
درست" قلمداد میشوند. سیاستهایی
که مجموعاً در جهت متفاد با منافع
خلق کرد قرار داشته است. سیاستهایی
که روشن میکنند حزب دمکرات نه به
دمکراسی انقلابی و نه به خودمختاری
و حق تعیین سرنوشت اعتقاد دارد و نه
بر پایه تعلقات طبقاتی خود میتواند
اجازه دهد که حق تعیین سرنوشت و
"رفع ستم ملی" به معنی علمی کلمه
متحقق شود.

امروزه دیگر دفاع از مفاهیمی
کلی چون "دمکراسی" و "انقلاب"
نمیتواند ماهیت واقعی مدعیان آنرا
بیوشاند. دمکراسی انقلابی تنها در
رابطه با انتقاد به اراده انقلابی
توده ها معنای یابد و "انقلاب" به
مفهوم درهم شکستن تمام زمینه ها و
تالوده های سلطه امپریالیسم و بهر-
اشداختن پایگاه اجتماعی آن. کسی
دمکرات خوانده میشود که به قدرت

مبارزات خلق کرد را به صورت زیر-
وارونه قلمداد میکند؛ "سیاستهای
درست و اصولی حزب ما موجب شده است که
مردم کردستان از جنبش ملی دمکراتیک
خود (بخوان جنبش حزب دمکرات)
پشتیبانی کنند" گویا این خلق ساز
کرد نبود که تحت فشار ستم دوگانه
ملی - طبقاتی و با استفاده از ستم
و تجارب مبارزاتی خود، دوش به دوش
خلیقای سراسر ایران علیه رژیم
ارتجاعی شاه بپا خاستند، پادگانها
و مراکز نظامی رژیم را تسخیر کرده و
بایدست گرفتن اسلحه، اداره شهرها
و روستاهای کردستان را خود به عهده
گرفتند. گویا این خلق مبارز کرد
نیود که علیرغم توهم ناآگاهانه
توده های زحمتکش سایر مناطق - به
حاکمیت جدید، با استفاده از تجارب
مبارزات دیرینه خود، از تحویل
سلاحهای خود به رژیم امتناع کرده و در
برابر خلق سلاح عمومی رژیم و در دفاع
از دستاوردهای انقلابی خود به
مقابله ای خونین برخاستند. گویا این
خلق ساز کرد نیست که علیرغم فشار
و سرکوب و وحشیانه رژیم، هفت سال
مبارزه بی امان و شکوهمندی را بر علیه
رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران
رنگارنگ آن، تداوم بخشیده اند، گویا
این فرزندان خلق تهران کرد نیستند
که در صفوف پیشمرگان نیروهای سیاسی
و از جمله حزب دمکرات دلیرانسه در
برابر یورش مزدوران رژیم مقاومت
میکند و با عملیات قهرمانانه خود آسایش
و راحتی را از مزدوران رژیم در سراسر
کردستان سلب کرده اند، اینها
واقعیاتی است از مبارزه خلق کرد که
حزب دمکرات آنرا تا حد پشتیبانی مردم
کردستان از جنبش ملی - دمکراتیک
خود "تحت تأثیر سیاست های" درست
و اصولی حزب تنزل میدهد. جنبش
انقلابی خلق کرد اساساً بر پایه تفاد
های زحمتکشان کرد با نظام پوسیده
و ارتجاعی حاکم در جهت نابودی این
نظام و سرنگونی رژیم مدافع آن و بر-
قراری حکومتی انقلابی و دمکراتیک و
کسب حق تعیین سرنوشت خود به گرفته

و سطح آگاهی توده های زحمتکش است.
اما در واقع بیش از هر چیز وحشت حزب
دمکرات از ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی
توده های کردستان و تشدید تفادهای
طبقاتی در جامعه را آشکار میسازد. حزب
دمکرات برای پیشبرد اهداف طبقاتی
و ناسیونالیستی خود متکی بر عدم
رشد و تعمیق تفادهای طبقاتی -
در کردستان و عدم تعمیق آگاهی طبقاتی
کارگران و زحمتکشان خلق کرد می باشد.
بر همین اساس است که حزب دمکرات
همواره بر سازش طبقاتی میان فئودالها،
سرمایه داران، دهقانان مرفه و
کارگران، زحمتکشان و دهقانان فقیر
و تهدیدست کردستان تأکید می نماید.
نمونه های بارز این مسئله، مقابله
حزب دمکرات با حرکت انقلابی دهقانان
برای معادله زمینهای فئودالهای
مرتجع در مناطق مختلف می باشد. نفی
ضرورت پیوند جنبش خلق کرد و جنبش
سراسری زحمتکشان ایران نیز در همین
رابطه برای حزب دمکرات معنای یابد.
هر چند حزب دمکرات با طرح شعار
"دمکراسی برای ایران و خودمختاری
برای کردستان" سعی میکند که عدم
اعتقاد خود را به لزوم برقراری
ارتباط میان جنبش سراسری زحمتکشان
ایران بیوشاند. اما در واقع این شعار
مانند کلیه شعارهای دیگر حزب تنها
برای کسب وجهه و دمکرات نمایی او
طرح میشود و در عملگردهای حزب نموده
عینی ندارد. حزب دمکرات با نادیده
گرفتن بازتابهای عملی مبارزات خلق
کرد در مبارزات سراسری و نفی تأثیر
متقابل مبارزات کارگران و زحمتکشان
سراسر ایران بر جنبش انقلابی خلق کرد،
بشکل عملی، جنبش انقلابی خلق کرد را
از مبارزات فد امپریالیستی -
دمکراتیک خلیقای ایران جدا کرده
و در نتیجه همین جدا کردن مبارزه
پیروزی جداگانه ای را هم برای "جنبش
خود" متصور میگردد. چگونه است که
حزب دمکرات در این گفتار رادیویی از
انعکاس اخبار مربوط به جنبش خلق کرد
در خارج از کشور با آب و تاب محبت
میکند اما از انعکاس و تأثیر اخبار
مبارزات خلق کرد در سراسر ایران سخنی
هم به میان نمی آورد؟ حزب دمکرات در
این گفتار رادیویی انحصار طلبی و
شک نظری خود را آنچنان شالشی
میدهد که واقعیتهای انکارناپذیر



پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد در گرو چیست؟

نقش سیاست و خط مئی طبقه کارگر در جنبش انقلابی خلق کرد گشته و این واقعت را به اثبات رسانیده؛ مادامکه رهبری پرولتری برجانبش انقلابی خلق کرد اعمال نشود این جنبش از دستاوردهای خود بمنظور تحقق پیروزمند خواستهای انقلابی - دمکراتیک زحمتکشان کرد سود نخواهد برد و دستاوردهای ارزشمندی که تا کنون با خون فرزندان خلق کرد بدست آمده پامال خواهد شد.

در سایه یک رهبری توانمندی پرولتری است که جنبش انقلابی خلق کرد عامل هرگونه ستمگری را که همانا نظم بوروکراتیک - ارتجاعی حاکمست باز شناخته و بمنظور درهم کوبیدن این نظام، تمامی پتانسیل انقلابی خود را در پیوند با توان رزمی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران به کار خواهد گرفت.

تاثير مستقيم عدم حضور پرولتری همچنانکه فوقا اشاره شد نتیجه تبعی خود را بر نیروهای سیاسی محلی کردستان به لایحه بر سیاستهای حزب دمکرات بر جای نهاد. حزب دمکرات به علت عدم حضور فعال سازمان صادر جنبش انقلابی خلق کرد با عدول از طرح ۴۶ مادهای هیات نمایندگی خلق کرد (که با توجه به شرایط ارائه این طرح مورد توافق سازمان بود) و محدود کردن خواست هیات نمایندگی خلق کرد به طرح ۶ مادهای خود اولین قدمها را در جهت تحقق منافع اش و نزول خواستهای انقلابی خلق کرد برداشت. حزب این تنزل فزاینده را بهنگام پیوستن به ائتلاف بورژوا - لیبرالی شورای ملی مقاومت به شکلی چاره ناپذیرتر به نمایش گذاشت. وقتی حزب دمکرات در نتیجه پیوستن به شورای ملی مقاومت از خواست خودمختاری ادعایی خود در طرح ۶ مادهای نیز عدول کرد و به خودمختاری محدود منطقه ای رجوع - بنی صدر (همان خودگردانی لیبرالهای

خلق و ارگانهای اقتدارتوده ای ایمان داشته باشد و منافع اکثریت مردم را در نظر بگیرد و نه منافع اقلیت را. دمکرات به کسی اطلاق میشود که علیه هرگونه تسلط امپریالیسم و بقایای نظام کهنه ارتجاعی مبارزه کند و از سوسیالیسم و قدرت طبقه کارگر وحشت نداشته باشد، انقلابی نیز به کسی اطلاق میشود که خواستار تنبیه و تحولات بنیادی در جامعه و درهم شکستن هرچیز کهنه و ارتجاعی به قطعی ترین شیوه ممکن باشد. انقلابی کسی است که در جهت تحقق اهداف انقلاب و وظایف آن با تمام توان بکوشد و بیکار ننماید. بنا بر این اقدامات و عملکردهای غیر اصولی و غیر مسئولانه حزب دمکرات و سازشکارانها و معاشات طلبی های اوبا جریان فدا انقلابی، تحت لوای هر شماری که صورت بگیرد نه دمکراتیک است و نه انقلابی.

پیروزی مورد نظر حزب نیز شاید دیگری است برای مدعا. پیروزی که با حفظ ماشین دولتی بورژوازی که حزب دمکرات یکبار آنها در زیر علم رجوی-بنی صدر آزمایش کرده بود، منتهی این بار پیروزی مطلوب حزب دمکرات با نزدیکتر شدن به جناحیایی در درون هیات حاکمه موجود قابل حصول خواهد بود.

جنبش انقلابی خلق کرد خود با سابقه طولانی تاریخی ثابت کرد که دلیل اصلی عدم موفقیت این جنبش اعمال رهبری جریان فدا انقلابی پرولتری بر آن بوده است. و از سویی دیگر نمونه تاریخی دیگری که تاثيرات رهبری یک جریان مارکسیست - لنینیست را بر جنبش به عینه آشکار ساخت، حضور فعال سازمان ما در جنبش خلق کرد بود که در همان محدوده زمانی کوتاه بعد از قیام تاثير حضور یک سازمان مارکسیست - لنینیست قدرتمند را بر کل روند این جنبش و اشکال مبارزه و خواستهای آن برجای گذاشت، بر هیچکس پوشیده نیست غلبه رفرمیسم بر کمیته مرکزی سازمان که منجر به انشعاب نقش انقلابی سازمان ما به مثابه تنها سازمان قدرتمند مارکسیست - لنینیست بر جنبش انقلابی خلق کرد گردید موجب تضعیف

زمان بازگان) به عنوان اقدامی اساسی کردن نهاد. این واقعت که در اثر عدم اعمال رهبری پرولتری بر جنبش خلق کرد دستاوردهای پر ارزش این جنبش پامال سازشهای مصلحت گرایانه ای خواهد گردید که پرچمدارش حزب دمکرات است را آشکارتر ساخت. این وحدت نه تصادفی بود و نه بر اساس وسعت و کثرت نیروهای مجاهدین خلق، بلکه صرفا حرکت از موضع نزدیکترین تمایلات طبقاتی مطلوب حزب دمکرات با سیاستهای بورژوا - لیبرالی شورای ملی مقاومت که آشکارا از حفظ ماشین دولتی بورژوازی دفاع میکند، تا آنجا حزب دمکرات را محور خود ساخت که حتی از اصلی ترین خواست ادعایی خود نیز که همان خودمختاریست بازماند و ثابت کرد به خودمختاری - مورد ادعایش نیز کمترین اعتقادی ندارد. رهش برنامهای محو بابت کنگره حزب دمکرات، در همین مقطع پیوستن به شورا، شاهد زنده این بیان است. به این دلیل که؛ (شورای ملی مقاومت اتهام تجزیه طلبی را از برنامه حزب دمکرات زدوده است) حزب دمکرات این برنامه شورای ملی مقاومت را بعنوان یک نکته مثبت ارزیابی میکند تا حدی که حزب دمکرات از یاد میبرد جلاد خلق کرد (بنی صدر) بعنوان یکی از پاهای اصلی شورای ملی مقاومت نفوذ ارتجاعی را بر شورای ملی مقاومت مسئولی کرده است. و با قوم خطاب کردن خلق قهرمان کرد منکر تمامیت تاریخی این ملت است. حزب دمکرات با پذیرش این طرح در واقع سر نوشت پیشمرگان خلق کرد را به فراموشی سپرد چرا که در این طرح بورژوازی نه تنها به ارگانهای اقتدار تسوده ای اشاره ای نشده بلکه به نیروهای ملج کنونی خلق کرد یعنی نیروی پیشمرگه نیز توجیهی نگشته و نامی از آن برده نشده است. حزب دمکرات با پیوستن به ائتلاف بورژوا - لیبرالی شورای ملی مقاومت جایگاه پرافتخار خلق کرد، در کناکش این مبارزه در خان رانها دیده گرفته و به لکده دار کردن این اعتبار تاریخی پرداخت، اقدامی که، در صفحه ۱۷

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

درافتای

مناظره گران چهره بورژوازی

کرده و روشن تر از قبل محتسب‌وای دیدگاه حزب را بر ملا می‌بازند.

شاید حزب دمکرات برای مخاطبین ویژه‌ای اینچنین کلی، مبهم و نامشخص از "دمکراسی" و "آزادی" سخن می‌گوید. مخاطبینی که همین برایشان کافی است و بدان خو گرفته‌اند، اما هیچ کس نمیتواند توده‌های انقلابی را با همین معیار و در همین سطح مورد خطاب قرار دهد و باید بگوئیم حقیقتاً حزب دمکرات در تصور باطلی بسر میبرد.

هرکس اگر مدتی در شرایط متلاطم سیاسی ایران و دوران انقلابی سالهای اخیر زندگی کرده باشد براحتمی مضمون و محتوای ومفاهیم مورد بحث حزب را درک خواهد نمود. هر زحمتکشی و لبر با اندک آگاهی در مقابل گفتار رادیویی حزب دمکرات، از خود خواهد پرسید، آیت‌الله صاحب "نفوذ" براساس چه معیاری دمکرات و آزادیخواه شد؟ مضمون "دمکراسی" و "آزادیهای" مورد نظر او چه بود و در خدمت چه اهدافی قرار داشت؟

اما حزب دمکرات برای ایجاد مقبولیت و تقدیس یک مرجع دینی، دفاع از "دمکراسی و آزادیهای دمکراتیک" را بیدگش نام شریعتمداری میگردانند و با این عمل خود آشکارا به چشم توده‌های مردم خاک می‌پاشد.

حزب که اینگونه با ارج گذاری به دمکرات منشی و آزادیخواهی عناصری امثال شریعتمداری به توهم پراکنسی حول آنان می‌پردازد و لابد اینرا هم جزئی از وظایف دمکرات منشی و آزادیخواهی‌اش تصور میکند، چه مناسبتر، که حزب پیشاپیش حق دیگر "شخصیتهای بزرگ"، "مقامات عالی" و دارای "نفوذ" را قبل از آنکه در جنگ خانگی دامنگیر "کینه‌جویی و خودکامی خمینی" نگردیده‌اند و از منسوب و "مقام مرجعیت" عزل و با خود مرحوم نگشته‌اند نیز ادا نماید!!

اینچنین است که حزب دمکرات از سویی با اشاعه توهمات واهی نسبت به نوعی از "دمکراسی" که مختص شریعتمداریها و همپالگی‌هایش

می‌باشد تلاش میکند تا ضمن مشغول داشتن ذهن توده‌ها، مدافعه خود را از این نوع دمکراسی درانظار، عسادی و برحق جلوه دهد و برای هماوایی با دیگر طرفداران این "دمکراسی" اعلام آمادگی نماید.

اما باید گفت شاید حزب دمکرات هنوز هم توده‌های مردم را ناآگاه می‌انگارد، اگر فرض هم چنین باشد این بار نیز، این حزب دمکرات است که بنا بر منافع خود عامدانه چشم بر روی واقعیات سیاسی جامعه ایران می‌بندد و خوش خیالانه حرفهای کهنه شده‌ای را بزیان میراند.

حزب دمکرات باید بدانکه سیر تحولات سیاسی در سالهای اخیر درسهایی بسیاری به توده‌های مردم آموخته است. امروز بارش و ارتقاء سطح آگاهی زحمتکشان جامعه، دوران هرگونه توهم‌زایی بسر رسیده، تجربیات سخت زندگی بتوده‌های انقلابی اثبات کرده است که زود باوری ناشی از عدم آگاهی وسطجی نگری چه مآثیری را برای آنها ببار خواهد آورد. این واقعیتی است که خواست برقراری دمکراسی و آزادی به خواست بسیاری از نیروهای اجتماعی مبدل گشته است.

کارگران و زحمتکشان طالب تحقق دمکراسی و آزادی هستند، بورژوا-لیبرالها و حتی بورژوازی منسوب و سلطنت‌طلبان نیز داعیه برقراری "دمکراسی" در سر می‌پورانند. اما در ایران نیز همانند هر جامعه طبقاتی دیگری با تفکیک مذبذبه نیروهای اجتماعی، خواست "دمکراسی" و "آزادی" نیز مانند هر مقوله سیاسی، بر اساس منافع طبقات و اقشار جامعه در اشکال مختلفی از هم تفکیک و متمایز گشته است. پس روشن است که همونسی و تکرار یک شعار بیان منافع متحد همه اقشار و طبقات (چیزی که حزب دمکرات برای تحقق آن به سر در می‌کوبد!) نیست و هرگونه طرح دمکراسی در مفهوم کلی و عام آن جز مخدوش ساختن مرز نیروهای انقلاب و ضد انقلاب چیز دیگری نیست.

بی تردید حزب دمکرات از روی نابخردی و عدم آشنایی با مبانی سیاسی این مهم را مسکوت نگذاشته است. اگر حزب دمکرات نبیتی نداشته است، پرسیدنی است کدام نیروی سیاسی بخود

اجازه میدهد از تملقات طبقاتی خود دست‌شسته و به تبلیغ مواضع چریکان سیاسی دیگری بپردازد؟ کدام نیرویی است که خود را "دمکرات" و "انقلابی" بخواند و بجای دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و بجای دفاع از دمکراسی حقیقی که بیانشگر حاکمیت توده‌های انقلابی است، دمکراسی کاذب و ریاکارانه شخصیتهای مذهبی امثال شریعتمداری را در مقابل "استبداد" خمینی علم کند؟

اما هیچ جایی برای تعجب وجود ندارد. این بندبازیها محصول آموزش در مکتب بورژوازی است. شکی نیست که حزب دمکرات بخوبی نیروهای اجتماعی و نمایان سیاسی آنان را از یکدیگر تمیز میدهد و میگوید:

"میتوان وی (شریعتمداری) را میانه‌رو (بخوان محافظه‌کار و لیبرال) حساب کرد".

روشن شد؟ آشکار تر از این نمیتوان از عناصر "میانه‌رویی" همچون شریعتمداری و دمکراسی و آزادیهای مورد نظر آنان دفاع کرد.

مبارزه طبقاتی بخوبی آموخته است که هر جریان سیاسی براساس منافع طبقاتی خود به موضعگیری حول مسائل جامعه بپردازد و موضعگیری حزب دمکرات نسبت به شریعتمداری نیز طبق همین قاعده کاملاً از روی حساب بوده است و قبل از اینکه احساسات رهبران حزب دمکرات از مرگ یک "مرجع عالی" - مقام "جریحه‌دار کرده تملقات طبقاتی حزب دمکرات او را بدفاع از دمکراسی شریعتمداری واداشته است و به نظرات سیاسی آیت‌الله مرحوم مجذوب گردانیده است.

مگر میتوان به جز تفاوت‌های صوری، دمکراسی حزب دمکرات را از - دمکراسی شریعتمداری تفکیک نمود. تفاوت بین دمکراسی حزب دمکرات با دمکراسی شریعتمداری فقط در چهاره طالبین و "طرفداران" آن است. اگر در مقطع نیام شکوهمند ۲۲ بهمن پس از سالها رکود سیاسی توده‌های انقلابی مبارزه برخاستند و در آخرین روزهای حیات شکنج شاه، دسته‌ای از لیبرالها، امثال بازرگان در میان او هام و نا باوری توده‌ها بر سر قدرت نشستند و اگر با وعده دمکراسی



دراغای

مناظره گران چهره بورژوازی

توده بی شکلی از مردم مدتی بدنبال شریعتمداری روان گشتند، حزب دمکرات مطمئن باشد در متن دوران انقلابی کنونی، وضعیت طبقات، اقشار و کلیه نیروها در مقایسه با سالهای قبل بسیار تغییر کرده است. توده ها در مقابل تکرار وعده های دروغین بورژوازی ها، مبنی بر اعطای آزادی و دمکراسی و مراجع مستقیم با ارتجاع سیاسی بیدار گشته اند. دیگر هیچ نیرویی از طریق تبلیغ شعارهای کاذب صاحب "نفوذ" را اعتبار نخواهد گشت، چرا که توده های آگاه دیگر نریب وعده های دروغین را نخواهند خورد و جز به نیروهای حقیقتا دمکرات و انقلابی که دفاع سرخانه از خواستها و اهداف انقلابی توده ها را در صدر وظایف خود قرار داده اند و در عمل نیز آثرات انباشت رسانیده اند، به هیچ نیروی دیگری اعتماد نخواهند کرد.

همانطور که در بالا ملاحظه شد، علاوه بر اینها، اگر امروز حزب دمکرات شیفته "نفوذ" شریعتمداری گشته است، خود نیز میدانند که در آن ایام شریعتمداری با وعده دمکراسی به عوام فریبی پرداخت و بخشی از کسبه، زحمتکشان شهری و دهقانان ناآگاه آنها را به "نیروی سنت عادت کورکورانه" آویختن به رسومات و کهنه ها و به این دلیل ساده توهمات مذهبی فریب عنصر "لیبرالی" را خورده و بدنبال او روان گشتند.

اما حزب دمکرات بداند که کارگران و زحمتکشان طی مبارزات چند ساله خود به تجربه دریافته اند که "لیبرالیتهائی" امثال شریعتمداری همانقدر که با سران ارتجاع حاکم درگیر "اختلافات فاحش در خلق و خو و نظرات سیاسی و مذهبی" گردیدند، مد چندان از جنبش انقلابی توده ها حراس داشتند و از همینرو بود که تمایلات مبارزاندازی آنها در سازش با نظام حاکم و دفاع از بسیاری پایه های آن کار راسه و رشکتنکی سیاسی آنها کشانید و هر کدام نا توانی ذاتی و ست عمری خود را در انظار نشان دادند و بالاخره،

شریعتمداری نیز سر برآستان خمینی شاید و تزلزل خود را با اثبات رسانید. حزب دمکرات در رابطه با این واقعتا انکارناپذیر که دیگر حاشای آن رسوایی آور است، چنین گفت: "بالاخره بعد از حملات مکرر و توهین های متعدد توسط افراد شناخته شده ای چون خلخال آیت الله شریعتمداری را مجبور به عذرخواهی و تقاضای بخشودگی از خمینی کردند"

متوجه شدید دفاع محافظه کارانه و جانبدارانه چگونه است! واقعا اگر حزب دمکرات کسی جرات بخود میداد از این هم فراتر، برای جمل شخصیتها و اثبات دعوی خود به چشمبندی!! نیز توسل می جست، حزب دمکرات که با دفاع از شریعتمداری در واقع در پی مطلوبش از دستگاه مذهبی برآمده است میگوید: "شریعتمداری موافق دخالت بیش از اندازه شخصتهای مذهبی در امور کشورداری نبود."

برای کسی که قصد قلب حقایی و رانداشته باشد، منظور حزب پرواضح است. حزب با صحنه گذاشتن بر این نظر شریعتمداری خود خواهان مداخله شخصتهای مذهبی "نه" بیش از اندازه بلکه "به اندازه" در امور کشورداری است. آیا یک نیروی واقعا دمکرات و انقلابی ممکن است که به عوض انشای بیرحمانه این ضد دمکراسی تلاش کند تا آنرا بنام "دمکراسی" و "آزادی" به خورد توده ها بدهد؟ همین فاکتور محتوای دمکراسی مورد نظر شریعتمداری را که بزبان حزب دمکرات جاری گردید و تاکنون این همه بر آن صحنه گذارده شد را عیانتر می نمایاند. راستی چه تفاوت بنیادی بین کشورداری شریعتمداری با کشورداری خمینی میتواند وجود داشته باشد؟

مگر کسی در زیر ست جمهوری اسلامی سرسوده باشد تا از خود سؤال کند: آیا در کشوری که "مراجع تقلید" و شخصتهای بزرگ دینی صحنه گردان اصلی امور هستند مفهوم آزادی چیست؟ مگر کسی فشار دیکتاتوری زندان و شکنجه و کشتار را بر پشت خود احساس نکرده باشد تا از خود بپرسد، براستی آن دمکراسی که در قید دین و مذهب باشد، آزادی را چگونه تضمین میکند؟ اما توده های ستمدیده ایران یکبار برای همیشه پاسخ این سئوالات را زیر

حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی تجربه کرده اند. هنگامیکه دستگاه دینی با دولت ادغام گشته و یک دولت مذهبی بر مقدرات توده ها حاکم میگردد، اثری از آزادیهای سیاسی برجای نمی ماند، حتی عقب مانده ترین قشر توده ها نیز فهمیده اند هر حکومت مذهبی دشمن آزادی و دمکراسی است.

توده ها به تجربه دریافته اند تا هنگامیکه قدرت در دست سرمایه داران قرار دارد، ارتجاع سیاسی به مثابه روستا سیاسی جامعه جایی برای شعارهای آزادیخواهانه و دمکرات - منشا "لیبرالها" باقی نمیگذارد، با این وجود اگر چنانچه حرفی هم از "دمکراسی" در میان باشد قطعاً شامل حال زحمتکشانی که بر آنان دیکتاتوری روا میشود، نمیکرد.

توده ها در عمل دریافته اند، "لیبرالیتهائی" امثال شریعتمداری هنگامیکه برای انحراف مبارزه انقلابی مردم و رودست زدن به رقیبان خود با استفاده از ناراضائی عمومی به شعار "دمکراسی" و "آزادی" توسل میجویند، آنها را اساساً جز آزادی استثمار، آزادی غارت بی حد و حصر و آزادی تحکیم مناسبات سرمایه داری، چیز دیگری را مد نظر ندارند و ماهیتا دشمنان و خاشنین به دمکراسی و آزادی واقعی هستند.

اما حزب دمکرات را اصلاً کاری به اینها نیست، او بنابر درک محدود و محلی خود هر گجا مطلوب را بیاید حلقه راهمانجامی چسبد.

مگر همین حزب دمکرات نبود که برای نزدیکی با مجاهدین دفاع از آنان را یک وظیفه "ملی و میهنی" قلمداد نمود و در هنگام ائتلاف سیاسی با شورای ملی مقاومت، حتی به شعار خود منی بر "دمکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان" نیز پشت پا زد و بنام "حزب رهبر خلق کرد" در مقابل شعار برقراری "جمهوری دمکراتیک اسلامی" مجاهدین سر فرود آورد و با پذیرش برنامه ضد دمکراتیک "دولت موقت برای خودمختاری کردستان بیای طرحی امضاء زد که منافع با منافع و آرماسهای سیاسی - تازیخی توده های ستمدیده کردستان است.

دیروز که حزب دمکرات از "جمهوری دمکراتیک اسلامی" مجاهدین در صفحه ۸

بمناسبت سیزدهمین سالگرد شهادت

فدائی خلق رفیق مرضیه احمدی اسکونی

افتخار

من مادرم ،
من خواهرم ،
من همسری مادقم ،
من یک زنم ،
زنی از دهکوره‌های مرده جنوب ،
زنی که از آغاز ،
با پای برهنه ،
دویده است سرتاسر خاک تف‌کرده‌ی
دشت‌ها را ،
من یک زنم ،
زنی که مرادف مفهرمش ،
در هیچ جای فرهنگ‌نگ آلود شما
وجود ندارد ،
که دستهایش بپید
قامتش ظریف ،
که پوستش لطیف ،
و گیوانش عطرآگین باشد ،
زنی که در سینه‌اش دلی ،
آکنده از زخم‌های چرکین
خنم است ،
زنی که در چشمانش ،
انعکاس گلرنگ گلوله‌های آزادی
موج می‌زنند ،
زنی که دستانش را کار ،
برای گرفتن سلاح پرورده است ،



مرضیه احمدی اسکونی

پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد در گروچیست؟

زحمتکش کرد با تجارب غنی مبارزاتی و آگاهی‌ای که طی دوران هفت‌ساله متلاطم مبارزه بی‌امان‌شان علیه رژیم ستمگر و ارتجاعی جمهوری اسلامی کسب کرده‌اند، این بار اجازه نخواهند داد که جریان‌های غیرپرولتاری جنبش‌آنان را وجه المصالحه منافع طبقاتی خود سازند ، و دوش بدوش کارگران ، و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران در جهت رسیدن به پیروزی قطعی از پای نخواهند نشست .

از رشد سطح مطالبات انقلابی توده‌های زحمتکش کرد خواهد شد ، چیزی که مطلوب حزب دمکرات است و تنها در سایه آن میتواند به پیروزی مورد نظر خود که همانا برسمیت شناخته شدن از جانب دولت مرکزی است برسد ، اما علیرغم همه تلاش‌های حزب دمکرات ، توده‌های

حتی نه تنها با مخالفت خلق کرد بلکه با مخالفت پیشمرگان حزب دمکرات نیز مواجهند ،

طبیعی است در غیاب سازمانی مارکسیست - لنینیست که بتواند اراده قدرتمند طبقه کارگر ایران را بر جنبش خلق کرد مسلط نماید ، نقش جریان‌های ناسیونالیستی از قبیل حزب دمکرات بر جنبش خلق کرد عمده‌تر شده و به همان میزان نیز مانع از ارتقاء پتانسیل جنبش انقلابی و مانع

مزدوران موفق به پیشبرد سیاستهای
ارتجاعی خود نشده اند.

بانه

در منطقه بانه نیز مزدوران بطور
وسیعی دست به سرکشی و جابجایی
زده اند. شهر بانه و جاده های فواصل
این شهر و شهرهای دیگر توسط
سرکوبگران رژیم تحت کنترل شدید
قرار داشته، و همه روزه تعدادی از
جوانان دستگیر شده و به مراکز نظامی
رژیم روانه گشته اند. رژیم که برای
پیشبرد سیاست ارتجاعی سرکشی
اجباری به کارگاهها و صنوف مختلف
اخطار داده است از استخدام مشمولین
خودداری کنند، طی ماه گذشته
تعدادی از کارگران فعلی کوره پزخانه
ها را در فاصله بین شهر بانه و
روستاهای اطراف آن دستگیر کرده اند.
تعدادی از کارگران نیز به دلیل
نداشتن کارت پایان خدمت، از
کوره پزخانه ها اخراج شده اند.

در بخش "بویین"، "آربابا"
و "اینجیه" مزدوران گروه ضربت
با محاصره روستاهای این بخش،
تعدادی از اهالی روستاها را دستگیر
نمودند.

مزدوران رژیم با بخش اطلاعیه های
از مشمولین خواسته اند که تا مهلت
تعیین شده خود را به مراکز نظامی
رژیم معرفی نمایند.

رژیم بمنظور تحت فشار قرار
دادن زحمتکشان این منطقه، و به
تمکین و داشتن آنها سهمیه کوپن
تعدادی از روستاهای منطقه بانه را
قطع کرده است. همچنین مزدوران رژیم
با توسل به ارباب و تهدید جوانان
منطقه درمدد گسترش سرکشی اجباری
از این منطقه است.

اهالی زحمتکش و مبارز روستای
"بویین سفلا" علیرغم فشار و سرکوب
مزدوران رژیم، تن به سیاست بسیج
جنگی رژیم نداده و از رفتن به سرکشی
امتناع کرده اند. مزدوران رژیم برای
درهم شکستن اراده این زحمتکشان،



اخبار جنبش توده های



تلاش گسترده رژیم برای سرکشی اجباری و اعتراضات توده های علیه آن

"تلاش" "پلی سان"، "بانه جینه"،
"وارگل" و بخش "گشورک" و "تلسی ن"
وروستاهای "کوله سی پایین و بالا" شاهد
بورش و حشانه مزدوران رژیم برای
دستگیری جوانان و سرکشی اجباری
بودند. طی این بورش تعداد زیادی
از جوانان این منطقه دستگیر و روانه
جبهه های جنگ شدند. بدنبال حملات
آخر رژیم، تعداد زیادی از اهالی از
روستاهای خود فراری شده اند.

اول اردیبهشت ماه مزدوران -
رژیم اهالی روستاهای "مزن شاوی"
"هوزنه" و "زهره کانی" در بخش
آلان را تهدید کرده اند که اگر فرزندان
خود را به سرکشی نفرستند، مزدوران
برای دستگیری آنها به روستاهایشان
حمله خواهند کرد. علیرغم فشار زیادی
که از طریق جاشا و دیگر مزدوران
رژیم بر اهالی این روستاها وارد
می آید، اما تاکنون مقاومت مردم

سردشت

بدنبال موج دستگیری جوانان
شهر سردشت طی دو ماه گذشته، مزدوران
رژیم ضمن ادامه سرکشی اجباری
اعلام کرده اند که هیچکس بدون کارت
پایان خدمت حق خروج از شهر را ندارد.
در بخشهای "آلان" و "سویسی" سردشت
نیز سرکشی و همچنان ادامه دارد و
تعدادی از اهالی این بخشها به سرکشی
اجباری واداشته شده اند. طی ماه گذشته
مزدوران تعدادی از اهالی روستاها
را دستگیر کرده اند اما نتوانسته اند
آنها را به جبهه های جنگ و یا به محلیهای
دیگری منتقل سازند.

سرکشی و دستگیری بیای دسته
جمعی در سردشت همچنان ادامه دارد.
۱۷ اردیبهشت شهر سردشت و
روستاهای اطراف آن از جمله روستاهای

کردستان کردستان پاینده باد عزمت پیروز باد رژیم

اخبار جیش توده ای

گروههای ضربت به منطقه اعزام کرده و بر فشار و تضییقات خود علیه مردم افزوده اند. اما پس از یک ماه نتوانسته اند کسی را از این روستا به سربازی ببرند. مردم نیز در اعتراض به سیاستهای فشار و سرکوب مزدوران دسته جمعی به شهر بانه رفته و فریاد اعتراض خود را علیه رژیم سیاستهای ارتجاعی بسیج جنگی اثر سر داده اند. این حرکت اعتراضی در ارتقاء روحیه مبارزه جوانان و اعتراض مردم منطقه تا شهر زیادی داشته است.

— مزدوران جاش رژیم در روستای "سپاه" روزهای دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم اردیبهشت ماه برای سربازگیری اجباری از اهالی روستاهای "سپی سزم"، "زهره" و پایین "سی و بیج" در منطقه "بیدانان" بانه به این روستاها یورش بردند. اهالی زحمتکش این روستاها برای مقابله با مزدوران درهای خانه های خود را بسته و از ورود جاشا به منازل خود جلوگیری کردند. زنان مبارز این روستاها در مقابل با مزدوران نقش فعالی داشتند. جاشا مجبور به کمک گرفتن از مزدوران جاش پایگاه های اطراف شده و با نیروی کمکی آنها اقدام به تیراندازی کرده و ۸ تن از اهالی این روستاها؛ ۴ تن از روستای "زهره" و ۴ تن دیگر از اهالی روستای "سی و بیج" را دستگیر کرده و همراه خود بردند.

دیواندره

پانزده اردیبهشت ماه مزدوران رژیم برای سربازگیری اجباری به روستای "قله روتله" در حومه شهر دیواندره میروند. مردم این روستا در برابر سربازگیری اجباری فرزندان خود دسته جمعی اعتراض میکنند و مانع اجرای سیاست مزدوران میشوند یکی از

فرماندهان مزدور که در جهت تقویت بسیج جنگی رژیم برای مردم سخن میگفت با جواب مردم که گفتند ما حاضر به سربازی نیستیم روبرو شد. و بدین — ترشیب طرح مزدوران برای سربازگیری از این روستا خنثی شد.

— مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بدنبال تشدید سربازگیری اجباری رژیم در کردستان در شهر دیواندره و روستاهای اطراف این شهر به سربازگیری اجباری وسیعی دست زده اند. اخیراً نیز جنازه تعداد زیادی از جوانانی که به اجبار عازم جبهه ها شده و قربانی اهداف ارتجاعی رژیم گشته اند به سردخانه شهر دیواندره منتقل شده است. همچنین تعداد کثیری از مجروحین جنگ ارتجاعی نیز به خانواده هایشان تحویل داده شده اند تا توسط خانواده ها و با خرج خود مداوا گردند.

مهاباد

شب چهارم اردیبهشت ماه پاسداران و جاشای رژیم که در پایگاه "حاجی حسن" منطقه "تامات" مهاباد مستقر هستند، روستای "قله" در منطقه "مدهال" را به محاصره خود درآوردند و به بانه سربازگیری اجباری به نفتش و بازرسی از خانه ها پرداختند. مزدوران چند تن از اهالی را برای اعزام اجباری به جبهه ها دستگیر نمودند و والدین تعدادی از جوانان روستا را که به سربازی رفته بودند نیز دستگیر کردند. اما مردم زحمتکش روستای "قله" مصمم و استوار در برابر سیاستهای ارتجاعی رژیم به اعتراض پرداختند و اعلام کردند که حاضر نیستند به خدمت رژیم درآمیخته و قربانی اهداف ارتجاعی آن گردند.

— نیروهای سرکوبگر رژیم اخیراً در منطقه مهاباد به دستگیری دسته — جمعی جوانان پرداخته اند. چندی پیش تعدادی از مزدوران رژیم، مناطق "کشورک" ۱ و ۲ و ۳ مهاباد را مورد هجوم قرار دادند و خانه های مردم زحمتکش این مناطق را به اشغال خود درآوردند. آنها بزرگ اسلحه و اسلحه حمل و نقل مردم را در اختیار خود گرفته اند تا بدین وسیله ضمن هجوم

غافلگیرانه به روستاها، جوانان را دستگیر کرده و به جبهه ها اعزام دارند و از سویی دیگر از ترده پشمرگان خلق کرد در منطقه جلوگیری به عمل آورند. تاکنون روستاهای "خلیفان"، "دول — پمو"، "قویتل"، "شاره زور"، "کلینان" "وزشتاش" و "کاشی سبو" مورد هجوم و اشغال مزدوران قرار گرفته و اهالی این روستاها تحت شدیدترین فشارها قرار دارند.

سنندج

شهرهای سنندج، کامیاران و روستاهای اطراف آن مورد تاخت و تاز مزدوران برای پیشبرد بسیج جنگی رژیم قرار گرفته اند. کنترل و بازرسی جاده ها و خیابانها و تفتیش و خانه گردی شدت یافته است. کارگرانی که "برگه" پایان خدمت ندارند، از کار اخراج شده و بیکار میشوند و موج دستگیریها ادامه دارد.

ربط

منطقه ربط نیز مورد تاخت — و تاز مزدوران رژیم برای سربازگیری اجباری قرار گرفته است. مزدوران — رژیم برای پیشبرد سیاست ارتجاعی خود در این منطقه اعلام کرده اند که هرکس میتواند اسلحه تحویل گرفته و در روستای خود بعنوان سرباز به خدمت ارگانهای سرکوب رژیم درآید. بدین وسیله مزدوران توانسته اند تعدادی از جوانان روستاهای "هندبان" و "هنراوی" را مسلح نمایند. برخی از این جوانان در پایگاههای منطقه تقسیم شده اند و برخی دیگر مجبور به خدمت در گروهبانهای مزدور جاش گشته اند. ضمناً در راهی ارتش خود خلقی نیز در این منطقه اعلام کرده اند که این سربازگیری از سوی سپاه پاسداران صورت گرفته و این افراد پس از پایان خدمت در سپاه به سربازسازی اعزام خواهند شد.

— بیست و دوم فروردین ماه فرمانده مزدور پایگاه "کوله" و عربی فرمانده مزدور سپاه پاسداران سردشت همراه



☆ اخبار جنبش قوده‌ای

تعدادی دیگر از مزدوران رژیم ، روستای "کوله" را مورد یورش قرار داده و آنرا به محاصره کامل خود درآوردند. سپس مزدوران به دستگیری جوانان پرداختند. اهالی مبارز این روستا در برابر یورش ارتجاعی مزدوران ، به مقابله انقلابی پرداخته و با اعتراض دسته جمعی و متحد خود مزدوران را به عقب نشینی واداشتند. مزدوران که مورد سنگ باران اهالی این روستا قرار گرفته بودند مجبور به آزادی افراد دستگیر شده گشتند.

مریوان

سرمه داران رژیم جمهوری اسلامی اعضای شوراهای اسلامی بخش "شامیان" بخشی از دهات حومه مریوان را در روستای "تازه آباد" جمع کرده و وظیفه شناسایی و معرفی مبارزین روستاها ، سرزگیری و تسلیح اجباری و تامین هزینه های جنگی را به عهده این شوراها گذاشته اند. اعضای شوراهای اسلامی پس از بازگشت به روستاها ایشان مردم را جمع کرده و آنها را به تمکین در برابر بسیج جنگی رژیم ترغیب کرده اند. در اغلب روستاها ، این مزدوران با خشم و انزجار مردم روبرو شده اند.

فرار سربازان از جبهه های جنگ ارتجاعی ایران و عراق و از مراکز نظامی رژیم همچنان ادامه دارد :

رابط :
روزهای ۲۴ و ۲۵ فروردین ماه ، دوتن از سربازان پس از فرار از پادگان ویایکاهای نظامی رژیم خود را به پیشمرگان خلق کرد معرفی کرده اند .

چندتن از اهالی روستای "کروس" در اعتراض به سیاست تسلیح اجباری رژیم خود را به پیشمرگان خلق کرد معرفی کرده اند .

سقز :

یک بسیجی روز دوم اردیبهشت همراه با یک قیفه کلانیکف و مقداری خناب و فشنگ به پیشمرگان خلق کرد پیوست .
سردشت :

هفتم اردیبهشت ماه سربازی که یک ماه پیش به سربازی رفته بود از پایگاه مزدوران رژیم فرار کرده و خود را به پیشمرگان معرفی نمود .

مریوان :

فرار سربازان و نیروهای بسیج از جبهه های جنگ همچنان بطور مستمر ادامه دارد. ماه گذشته نیز در ناحیه مریوان تعداد زیادی از سربازان و بسیجیان علیرغم کنترل و بازرسی شدید مزدوران با حمایت مردم از جبهه ها فرار کردند .
پیرانشهر :

روز ۲۱ اردیبهشت سربازی در منطقه پیرانشهر خود را به پیشمرگان خلق کرد معرفی کرد .

اعتراضات قوده‌ای علیه

تسلیح اجباری

مهاباد

رژیم جمهوری اسلامی بدنبال تسلیح و سربازگیری اجباری از اهالی روستای "دی بکر" در بخش "منگوران" مهاباد در صدد تسلیح اجباری اهالی روستاهای "قازی آباد" ، "برایمه" ، "قاریه" ، "تسلیم باغل" و "کوثر" بخش "منگوران" برآمده است .

اهالی روستای "دی بکر" از مدت ها پیش تحت فشار مزدوران برای تسلیح اجباری بودند ، بالاخره بعد از سرکوب و فشار زیاد ، در اوایل فروردین ماه ، تعدادی از اهالی این روستا ، بسزور سرنیزه و فریب ملحق شدند . سرکوبگران در این روستا اعلام کرده بودند که یا باید همه ملحق شوند و یا به سربازی

بروند. عده ای از اهالی با تسلیم در برابر سیاست رژیم ، به سربازی رفتند. این مسئله باعث شد که میان مردم اختلاف و چنددستگی ایجاد شود . مزدوران نیز با استفاده از اختلافات میان مردم مجدداً اعلام کردند که سرنیزه به سربازی رفته اند باید ملحق شوند و بدین ترتیب اهالی روستای "دی بکر" را تحت فشار و اجبار ملحق ساختند .

سقز

اول اردیبهشت نیروهای سرکوبگر رژیم ، روستای "کنده سوره" در بخش "کشورک" سقز را مورد هجوم وحشیانه خود قرار داده و با اجبار و فشار زیاد از مردم خواستند که ملحق شوند. مردم زحمتکش این روستا در اعتراض به این حرکت مزدوران دسته جمعی روستا را ترک کردند . پس از ترک مردم ، کودکی که بر جای مانده بود ، در اثر شدت سرما درگذشت .

سنندج

مردم زحمتکش و مبارز روستای "باوه ریز" بخش "چمشار" سنندج بار دیگر در برابر سیاست تسلیح اجباری رژیم به مقابله انقلابی پرداختند و مانع اجرای این سیاست ارتجاعی در این روستا شدند. اوایل اردیبهشت مزدوران سرکوبگر ضمن ضرب و شتم و دستگیری تعدادی از اهالی آنها را تحت فشار گذاشتند تا با برداشتن اسلحه رژیم به خدمت اهداف ارتجاعی آن درآیند. اما باز با مبارزه دسته جمعی مردم روبرو شده و این بار نیز در پیشبرد سیاستهای ارتجاعی خود شکست خوردند .

روستای "باوه ریز" که در بخش شرقی شهر سنندج واقع است طی چند سال متوالی همواره مورد هجوم مزدوران رژیم قرار گرفته است اما مردم مبارز این روستا همچنان با اراده ای مقاوم در برابر مزدوران ایستادگی کرده و سیاستهای ارتجاعی رژیم را نقش بر آب کرده اند .



بوکان

در تداوم سیاست ارتجاعی رژیم مبنی بر سر بازگیری و تسلیم اجباری، مردم منطقه بوکان نیز تحت فشار قرار گرفته اند. تاکنون رژیم اهالی دو روستا از منطقه بوکان را به اجبار مسلح کرده است.

سردشت

تعدادی از اهالی روستای "کروس" نیز به اجبار مسلح شده اند. این عده بدنبال فشار و سرکوب رژیم و اعلام اینکه کسانی که خود را معرفی کنند در همان محل خود سربازی خواهند داد به اجبار مسلح شده اند و مزدوران رژیم برای آشفته در روستا مقر دایر کرده اند.

نفر دستگیر شده در اثر مبارزه متحد و دسته جمعی توده های زحمتکش این روستا آزاد میگردند.

روز بیست و هشتم فروردین ماه پاسداران ارتجاع، مستقر در کوه "کیره" در منطقه ربط، فرد زحمتکشی از اهالی روستای "سیسر" را بجرم شکار دستگیر کرده و به جوخه اعدام سپرده اند.

سردشت

روز بیست و هشتم فروردین ماه مزدوران مستقر در پایگاههای آلان سردشت، روستاهای "استه نه زه" و "هه رنه" را مورد اصابت گلوله های شوب قرار دادند. در نتیجه این عمل وحشیانه، یک زن حامله در روستای "استه نه زه" و یک فرد زحمتکش در روستای "هه رنه" به شهادت رسیدند و دوشن از اهالی نیز زخمی شدند.

هیچدم فروردین ماه اهالی روستای "شوله" در برابر سیاست سرکوبگرانه مزدوران رژیم با اعتراض

پیرانشهر

نیروهای سرکوبگر رژیم در مناطق "بهرته"، "لاجان" و "پیریان" بقصد تسلیم اجباری، مردم این مناطق را تحت فشار گذاشته اند. اما مردم زحمتکش این مناطق با مقاومت انقلابی خود تن به این سیاست ارتجاعی نداده اند. مزدوران از روحانیون خواستند که مردم را برای برداشتن اسلحه رژیم ترغیب نمایند. همچنین آنها برای پیشبرد اهداف ارتجاعی خود به کشاورزان گفته اند اگر مسلح نشوید، فتوایها مسلح شده و آنها را تحت فشار قرار خواهند داد.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در تداوم سیاست بسیج جنگی خود، در پیرانشهر نیز به تسلیم اجباری مردم پرداخته است. رژیم تمامی مدارس پیرانشهر را تعطیل اعلام کرده و معلمان مدارس را برای رفتن به جبهه های جنگ تحت فشار قرار داده است.



اخبار جنبش توده ای

مزدوران رژیم اهالی روستای "حسین آباد" در مسیر جاده سنندج - دیواندره را بمنظور تسلیم اجباری مجددا تحت فشار گذاشته اند. مزدوران میگوشتند تا با تسلیم اجباری اهالی، نگیبانی پایگاه رژیم را به عیبده آنها بگذارند. اما اهالی زحمتکش این روستا تسلیم سیاست ارتجاعی رژیم نشده و از نگیبانی پایگاه سرباز زده اند. نیروهای رژیم در مقابل آنها را تهدید کردند که در صورت عدم تمکین به سیاستهای آنها از آوردن آذوقه و مایحتاج زندگی روستایان جلوگیری بعمل خواهند آورد که این تهدید مزدوران نیز شایع نداشت و اهالی این روستا همچنان به تسلیم اجباری رژیم تن نسپرده اند.

سرکوب وحشیانه زحمتکشان

نشانه ترس و ترسناکی رژیم
در مقابل

جنبش انقلابی خلق کرد است!

اعتراضی زنان روستا نقش بسزایی ایفا کرده و با دلاوری دوشادوش مردان بقصد آزادی دستگیرشدگان و در اعتراض به اعمال غیرانسانی مزدوران تا نزدیک پایگاه میروند. پس از آنکه خبر اعتراض مردم روستای "چوالان" به اهال روستای "ته خهل" و "تاز سه مله" میرسد آنها نیز به نشانه همبستگی با مردم روستای "چوالان" و در اعتراض به دستگیری چهار نفر مرزبور، همراه اهالی "چوالان" بسوی پایگاه مزدوران روانه شده و خواستار آزادی دستگیرشدگان میگردند. در اثر این حرکت اعتراضی دسته جمعی مزدوران رژیم به وحشت افتاده و فرمانده مزدور پایگاه اعلام میکند که "اشتباه کرده ایم" و چند

ربط

روز بیست و پنجم فروردین ماه مزدوران رژیم بایورش وحشیانه به روستای "چوالان" این روستا را به محاصره خود درآورده و به تفتیش و بازرسی خانه های مردم پرداختند. این مزدوران علاوه بر قرب و شتم اهالی و اعمال فشار بر آنها، چهار نفر از زحمتکشان این روستا را دستگیر کرده و همراه خود به پایگاه "ته خهل" می برند. این اعمال وحشیانه مورد اعتراض دسته جمعی اهالی زحمتکش روستا قرار میگیرد. در این حرکت

☆ اخبار جنبش توده‌ای

— دسته‌جمعی خود آنها را وادار به عقب‌نشینی نمودند. در اثر شلیک تعدادی ایلحه یک سرباز، او مجروح شده و مزدوران با مستمک قرار دادن، این مسئله که بسوی سرباز مزبور از طرف اهالی شلیک شده‌است، کوشیدند از اهالی تعهد بگیرند تا دیگر کسی بسوی مزدوران شلیک نکند. آنها بدین وسیله میخواستند که امنیت جان مزدوران را تضمین نمایند. اما مردم زحمتکش این روستا بطور دسته‌جمعی و یکپارچه در اعتراض به این حیلّه مزدوران و فشار و سرکوب آنها، جمع شده و تصمیم گرفتند که بمنحرفان اعتراض به شهر سردشت بروند. مزدوران در برابر این حرکت دسته‌جمعی اهالی به وحشت افتاده و وعده دادند که فردا مسئله راحل خواهند کرد. روز نوزده فروردین نیز مزدوران کوشیدند که از اهالی تعهد بگیرند که دیگر بسوی مزدوران تیراندازی نخواهد شد. اما مردم زحمتکش این روستا با قاطعیت انقضایی در برابر خواست مزدوران ایستاده و آنها را به عقب‌نشاندند.

— هفتم اردیبهشت ماه نوجوان ۱۳ ساله‌ای اهل روستای "جانسداران" هنگامیکه در یکی از تپه‌های اطراف روستا مشغول چرانیدن گوسفندان بود، بر اثر انفجار مینی که توسط مزدوران رژیم کار گذاشته شده بود، درگذشت.

— اخیراً مزدوران رژیم بار دیگر درمورد اجرای سیاست ارتجاعی کوچ اجباری در منطقه سردشت برآمده‌اند. چندی پیش سرکوبگران رژیم اهالی زحمتکش روستاهای "سوره‌چوم" و "قله‌ره" را تحت فشار گذاشتند که روستاهایشان را تخلیه کنند. زحمتکشان مبارز هر دو روستا در اعتراض به سیاست کوچ اجباری رژیم دسته‌جمعی به شهر سردشت رفته و با تجمع در برابر فرمانداری این شهر و مقر سپاه پاسداران اعتراض خود را نسبت به این سیاست ضد انسانی به نمایش گذاشتند. علیرغم تداوم اعتراضات اهالی این دو

روستا را به توپ و خمپاره بستند. طی این اعمال وحشیانه به اهالی روستاها آسیبی نرسید.

— بانه —

— ماه گذشته جاشهای رژیم در منطقه بانه به غارت و چپاول خود از اموال مردم شدت بخشیدند. جاشهای کثیف با دستگیری چندتن از کاسبکاران فقیر مناطق مرزی، از آنان اخاذی نموده‌اند.

— روز پانزده فروردین در اثر انفجار مینی که توسط مزدوران سرکوبگر رژیم در پشت روستای "دونس" در منطقه "سورکو" بانه، کار گذاشته شده بود، دختر جوانی جان خود را از دست داد. و یک تن دیگر از اهالی این روستا زخمی شد. مزدوران رژیم پس از ایجاد پایگاههای مختلف در ارتفاعات "سورکو" و در داخل روستاهای این نواحی مردم را تحت فشار سرکوب و خفقان بیشتری قرار داده و با گذاشتن مین و مواد منفجره در مسیر تردد مردم و در زمینها و مزارع آنها، جان اهالی این مناطق را با خطر روبه‌رو ساخته‌اند. در اثر این اعمال جنایتکارانه، تاکنون تعدادی از اهالی روستاهای این منطقه جان خود را از دست داده و با ناقص‌العضو شده‌اند.

— سقز —

— یکی از نوجوانان روستای "گل تپه" هنگام چرای گوسفندان در اطراف روستا با انفجار مینی که توسط مزدوران کار گذاشته شده بود، زخمی میشود و هنگام انتقال به بیمارستان جان می‌سپارد.

مردم زحمتکش روستای "گل تپه" با شنیدن خبر انفجار مین و زخمی شدن نوجوان مزبور جمع شده و با دادن شعارهایی علیه رژیم مزدوران آن به تظاهرات می‌پردازند. تشیع جنازه این نوجوان نیز با شرکت همه اهالی روستا انجام گرفت. مزدوران مستقر در روستا در هراس از گسترش این تظاهرات

روستا مزدوران رژیم نیز همچنان بر پیشبرد سیاست ارتجاعی تخلیه روستاهای "سوره‌چوم" و "قله‌ره" اصرار می‌ورزند.

— شب بیستم اردیبهشت ماه تعدادی از جاشها به روستای "یناوی" در منطقه آلان سردشت رفته و خود را پیشمرگ معرفی کردند. اما سیاستهای ارتجاعی آنها در روستا علیه مردم زحمتکش فوراً ماهیت واقعی آنها را آشکار ساخت.

— روز بیست و یکم اردیبهشت ماه نیز مزدوران جاش در نزدیکی روستای "دیناران" دو تن از کاسبکاران اورامی را دستگیر کرده و پس از ضرب و شتم آنها، دارائی‌شان را به غارت می‌برند.

— پیرانشهر —

— اخیراً مزدوران رژیم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از سیلاب رفتن دامداران منطقه پیرانشهر آنها را زیر فشار گذاشته‌است. بیست و چهارم فروردین ماه چادر نشینان "دول‌تاو" خوارده" مورد حمله جاشهای کثیف قرار گرفتند. جاشها از چادر نشینان خواستند که با جمع کردن چادر و وسایل خود به روستاهایشان باز گردند، اما چادر نشینان ضمن اعتراض به این مسئله با مزدوران به مقابله برخاستند. جاشها بر شدت اعمال ارتجاعی خود افزودند و چوپانان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و چادر یکی از دامداران را نیز به آتش کشیدند.

— اوائل اردیبهشت ماه روستای "کرکش" در محور سردشت - پیرانشهر مورد یورش پاسداران ارتجاع قرار گرفت. مزدوران در حالیکه بی هدف اهالی و خانه‌های آنها را به گلوله بسته بودند، یک انبار علوفه و یک دستگاه تراکتور اهالی زحمتکش این روستا را به آتش کشیدند.

— سوم اردیبهشت ماه، یک روز پس از درگیری پیشمرگان خلق کرد با مزدوران رژیم، در روستای "زیوه"، مزدوران روستاهای "زیوه"، "بادیناوه" و "نمنجه" را محاصره کرده



اخبار جنبش توده‌ای

نتوانستند کمترین حرکتی از خود بروز دهند اما چند روز بعد چند تن از اهالی رادستگیر کردند.

— رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه خود، خانواده‌های پیشمرگان خلق کرد را تحت فشار گذاشته است. اخیراً مزدوران رژیم خانواده‌های پیشمرگان در شهر سقز را تحت کنترل بیشتری درآورده و از مسافرت و رفت و آمد آنها به جاهای دیگر جلوگیری بعمل می‌آورند. مزدوران شبانه به خانه آنها یورش می‌برند و از خانواده‌های پیشمرگان خواسته‌اند که هر هفته خود را با اطلاعات سپاه پاسداران معرفی کرده و امضا بدهند. علیرغم مقاومت و عدم تمکین برخی از خانواده‌ها در برابر این سیاست ارتجاعی برخی دیگر مجبور به اجرای آن شده‌اند.

مهاباد

پس از درگیری پیشمرگان خلق کرد با مزدوران رژیم و ترک روستای "خاشون خاص" مزدوران این روستا را به محاصره خود درآورده و اهالی این روستا را مورد ضرب و شتم قرار دادند و سه نفر از آنها رادستگیر و به پایگاه خود منتقل ساختند.

— روز دوازدهم اردیبهشت مزدوران سرکوبگر رژیم، ارتفاعات "میره‌ده" و "بره‌جو" را به زیر آتش توپ و خمپاره و مسلسل کالیبر ۵۰ گرفتند. مزدوران پس از این عمل وحشیانه به روستاهای "میره‌ده" و "حاجی دره" یورش بردند و به تفتیش و بازرسی منازل زحمتکشان و سرکوب آنها پرداختند. مزدوران در روستای "حاجی دره" دو نفر از اهالی را نیز دستگیر کردند و پس از اجرای این اقدامات جنایتکارانه به پایگاه خود باز گشتند.

— شانزدهم اردیبهشت ماه اصفهانی فرمانده مزدور پایگاه "شاری کند" همراه مزدوران مستقر در پایگاه روستای "آغوشان" در منطقه "کشورک ۳" مهاباد ساعت ۶ با مداد روستای "آغوشان" را به محاصره در آوردند. مزدوران مردم رادر مسجد روستا گرد آورده و آنها را تحت فشار و توهین قرار دادند. آنگاه سرکوبگران به بازرسی منازل مردم پرداخته و قند و جای مردم را به بیانه اینکه آنها برای پیشمرگان خود، قند و جای و خواربار ذخیره میکنند، به غارت بردند. مزدوران به این اعمال ارتجاعی اکتفا نکرده و ۵ تن از اهالی را نیز دستگیر کرده و همراه خود می‌برند. اهالی زحمتکش روستا و بخصوص زنان مبارز آن در اعتراض به این اعمال وحشیانه، به سوی پایگاه مزدوران رژیم در روستای "شاری کند" راهپیمایی میکنند و خواستار آزادی دستگیرشدگان میشوند. مزدوران در هراس از قدرت متحد زحمتکشان این روستا افراد دستگیر شده را آزاد میکنند.

افشار

مزدوران رژیم در هراس از پیوند مستحکم زحمتکشان کردستان با پیشمرگان خود، هردم برجایات خود می‌افزایند: مزدوران رژیم شب ۱/۲۵ پس از اطلاع از حضور دو تن از پیشمرگان خلق کرد در روستای "داره‌توو" با کسپیل نیروی وسیعی به آن روستا محل سکونت این پیشمرگان را با آرمیچی و تانک — انداز زیر آتش گرفته و آنها را به شهادت رساندند. در اثر آتش‌باران دشمن خسارات مالی سنگینی به زحمتکشان روستا وارد آمد. همچنین مزدوران پس از انجام این اعمال وحشیانه یکی از اهالی این روستا را همراه با مادرش به جوخه اعدام سپردند.

مریوان

مزدوران رژیم برای سرکشی کردن هرچه بیشتر زحمتکشان در بخش "کلاته‌زان" به اهالی روستاهای "دانی‌کشت" و "رش‌نه‌ش" و "کسل"

اعلام کرده‌اند که در ازای تحویل کوپن اوراق هر خانواده، ۵۰ تومان از آنها بعنوان هزینه جنگی گرفته خواهد شد. سرکوبگران، اهالی این روستا را سایر مناطق را تهدید کرده‌اند که در صورت عدم پرداخت هزینه جنگی سهمیه کوپن آنها قطع خواهد شد.

— اهالی مبارز روستای "چاوک" واقع در ۵ کیلومتری شهر مریوان با اعتراضات خود علیه حضور نظامی سرکوبگران در روستایشان آنها را وادار به برجیدن مقرشان که تنها ۱۱ روز از استقرار آن در این روستا میگذشت، کردند. پس از گسترش جنگ ارتجاعی ایران و عراق در منطقه کردستان، رژیم جمهوری اسلامی نیروی زیاد را به منطقه مریوان کسپیل داشت. و نیروهای سرکوبگر فشار و سرکوب زیادی را بر مردم تحمیل کردند. در روستای "چاوک" نیز مزدوران پس از استقرار از مردم خواستند که آنان آنها را تأمین کنند. مردم زیر بار این خواست ترفته و در برابر آن اعتراض کردند. بدنبال آن میان یکی از جاشها و چند تن از اهالی درگیری روی میدهد که مردم، جاش مزبور را خلع سلاح کرده و او را کوشالی میدهند. مزدوران برای ایجاد رعب در میان مردم می‌کوشند که چند نفر رادستگیر نمایند ولی اهالی آنها را مخفی می‌نمایند. ۳ روز پس از آن جاشها شبانه خانه یکی از اهالی را محاصره کرده و ۳ تن از زحمتکشان روستا رادستگیر می‌سازند. صبح روز بعد مزدوران رژیم در هراس از اعتراض مردم آنها را جمع کرده و برایشان سخنرانی میکنند، اما همانجا با اعتراض مردم روبرو میشوند. پس از آن اعتراضات مردم ادامه پیدا میکند و مزدوران رژیم با اعتراضات مداوم مردم به اشکال مختلف روبرو میگردند. به هنگام نگهبانی سنگباران میشوند، هنگام عبور از داخل روستا بر سرشان آب ریخته میشود. و بدینسان اعتراضات مداوم مردم مبارز "چاوک"

باعث میشود مزدوران پس از ۱۱ روز مقرشان را در این روستا تخلیه کرده و روستا را ترک گویند. با پخش خبر اعتراضات مردم روستای "چاوک" و نتیجه این اعتراضات، مردم روستاهای دیگر این منطقه از قبیل روستاهای "کله" و

چند خبر

از شهرهای کردستان

اخبار کارگری :

بدنبال موج اخراج کارگران از کارخانه‌ها در سراسر ایران در کردستان نیز سرمایه‌داران دست به اخراجهای دسته‌جمعی کارگران زده‌اند.

سازمان آب‌سنندج :

در تاریخ ۲۸ اسفندماه ۶۴، ۶۰ نفر از کارگران سازمان آب‌سنندج اخراج شدند. این افراد که اکثراً کارگر بیمانی بودند به بهانه کمبود بودجه از حق طبیعی خود محروم گشته و اخراج شده‌اند.

اداره برق سنندج :

در آخرین روزهای سال گذشته ۷۰ نفر از کارکنان این اداره نیز اخراج شده‌اند.

رژیم‌فدکارگری جمهوری اسلامی در ادامه سیاست اخراج کارگران، اینبار به بهانه بسیج جنگی کارگران راتحت فشار قرار داده که در صورت امتناع از رفتن به جبهه‌ها با حربه اخراج روبرو خواهند شد.

در همین رابطه کارفرمایان دولتی درمهاباد، کارمندان و کارگران راه و ترابری "اداره راه قدس" مهاباد را به منظور اعزام اجباری به جبهه جنگ ارتجاعی تحت فشار قرار دادند. اما مزدوران رژیم با مقاومت انقلابی کارکنان این اداره روبرو و ناچار شدند که آنها را جریمه با اخراج نمایند که تاکنون ۳۵ الی ۴۰ نفر از کارگران و کارکنان اداره راه که از پرداخت جریمه و رفتن به جبهه امتناع کرده‌اند، اخراج گردیده‌اند.

سنندج

مردم مبارز سنندج نیز به بهانه بسیج جنگی رژیم تحت شدیدترین فشارها و کنترل پلیسی قرار گرفته‌اند. راههای ورودی و خروجی شهر، معابر عمومی، خیابانها، چنارها و پیاده‌روها شدت تحت کنترل و بازرسی مزدوران رژیم قرار گرفته است و از همه کسی

"سروآباد" در بدترین شرایط معیشتی بسر می‌برند. بیکاری و فقر و فلاکت در میان آوارگان مریوان بیداد میکند. - طی روزهای شانزدهم و هفدهم اردیبهشت ماه نواحی مکنونی شهر مریوان مورد بمباران هواپیماهای عراقی قرار گرفت. طی این بمباران وحشیانه دهها تن از مردم زحمتکش این شهر قربانی اهداف ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی شده و قسمتهایی از شهر نیز ویران گردید. محله پسر بنزین واقع در جنوب شهر مریوان، بیمارستان شهر، مسافرخانه شیرنگ، خیابان اورامی‌ها، اطراف رادیو تلویزیون و مناطق مکنونی اطراف پادگان مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت. تعدادی از مزدوران رژیم در این حملات به هلاکت رسیدند.

بانه

هفدهم اردیبهشت ماه شهر بانه مجدداً مورد بمباران وحشیانه هواپیماهای عراقی قرار گرفت. طی این بمباران ۳ تن از اهالی شهر کشته و ۱۷ تن دیگر مجروح شدند. تعدادی از مزدوران رژیم در این بمباران به هلاکت رسیدند.

سردشت

روز هیجدهم اردیبهشت ماه روستای "کوردش" مورد اصابت کلوله‌های توپخانه عراق قرار گرفت. در نتیجه این عمل وحشیانه خسارت مالی سنگینی به مردم زحمتکش این روستا وارد گردید. اهالی این روستا که طی یکسال گذشته تاکنون ۴ بار مورد حمله توپخانه عراق قرار گرفته مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و در روستاهای اطراف آواره شده‌اند.



اخبار جنبش توده‌ای

"تله می" نیز خواستار خروج مزدوران از روستاهایشان شده‌اند. همچنین اهالی ۱۲ روستای بخش "تامیان" نیز با مدور قطعنامه‌ای خواستار اخراج فرمانده مزدور پندپایگناه شده‌اند.

چند خبر از :

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

مریوان

اهالی زحمتکش مریوان که در اثر بمباران متوالی این شهر ناچار از ترک خانه و کاشانه خود شده و به مناطق اطراف مریوان روی آورده‌اند همچنان آواره و در شرایط بسیار بد زمینی بسر می‌برند. شهر مریوان نیز همچنان خالی از سکنه می‌باشد. اخیراً در نتیجه اعتراضات پراکنده آوارگان، دوشن از مزدوران رژیم، فرماندار مریوان و نماینده مجلس شورای اسلامی به یکی از مراکز تجمع آوارگان در روستای "گانی بینار" رفته و فرماندار مزدور درمیان آوارگان سخنرانی می‌کند. مردم آواره نسبت به بیکاری و وضعیت نامساعد زمینی خود اعتراض می‌کنند و خواستار تامین کار برای آوارگان می‌گردند. اما فرماندار مزدور در کمال وقاحت جواب می‌دهد: "دولت هیچ بودجه‌ای ندارد که شمارا تامین کند منتظر مانباشید. جنگ است و نما هم آواره شدید کی گفته از شهر بیرون بیايد". بیش از ۳ سال است که اهالی مریوان در اثر جنگ ارتجاعی ایران و عراق آواره شده و در روستاهای "گانی بینار"، "قلاج"، "میندگل" و

اخبار جنبش توده‌ای

کارت پایان خدمت و یا معافیت سربازی خواسته میشود. اساتید و معلمان مزدور رژیم در بیت و سوم فروردین اعلام کرده که کلیه کارمندان باید به جبهه‌ها بروند. در ادارات و مدارس پرستارهای پخش کرده‌اند تا بتوانند کنترل بیشتری بر مردم اعمال کرده و در خدمت بسیج اجباری از آن استفاده کنند.

اداره آموزش و پرورش اعلام کرده است که هر کدام از دانش آموزان که تجدید شوند باید به جبهه جنگ لیبی علیه آمریکا یا به جبهه جنگ ایران و عراق بروند. همزمان با این تضيقات، مردم و اصناف مختلف برای تأمین هزینه‌های جنگی رژیم نیز تحت فشار قرار دارند. کسبه، رانندگان و دکانداران تحت فشار قرار گرفته‌اند. تا جواز کسب کار تهیه کنند که در صورت نداشتن برگ پایان خدمت از دادن جواز خودداری کرده و آنها را از کار بیکار میکنند تا به اجبار به جبهه‌های جنگ بروند. سندیکاها و اتحادیه‌های اصناف نیز وادار گشته‌اند که اصناف را برای پرداخت هزینه‌های جنگی و اعزام اجباری به جبهه‌ها تحت فشار قرار دهند. علاوه بر تبلیغات روزمره رادیو تلویزیون، از طریق بلندگو نیز بطور شبانه روزی مزدوران رژیم مردم را برای اعزام به جبهه‌ها فرا میخوانند. ما مردم مبارز سندج همچنان با وجیه‌ای اعتراضی در برابر اقدامات رتجائی رژیم ایستادگی کرده و سرشبرد مبارزه انقلابی خود علیه رژیم جمهوری اسلامی پای می‌نهند. روز یازم فروردین یک نفر از اهالی شهر رحال که پلاکاردی حاوی شعارهایی علیه رژیم را در دست گرفته بود، در راهبر چشم مزدوران رژیم از خیابان وحید بطرف میدان انقلاب سندج به اه میافتد که توسط گشت ثارالله دستگیر میشود و در همین حین در میدان انقلاب میان کارگران بیکار و مزدوران رژیم درگیری روی میدهد و اسداران سی میکنند که یکی از ارگران را دستگیر کنند کم مردم در

میدان تجمع میکنند و اعتراض مردم دامنه و سیمتری بخود میگردد. مزدوران شهربانی و ثارالله خود را به محل رسانده و مردم را به محاصره خود درآورده و شروع به تیراندازی هوایی میکنند. زخمی‌شدگان معترضان اسلام میکنند که اجازه نخواهند داد مزدوران دستگیرشدگان را همراه خود ببرند و باید آنها را آزاد کنند. مزدوران برای متفرق کردن آنها مجدداً دست به تیراندازی هوایی میزنند ولی مردم همچنان در برابر آنها ایستادگی میکنند تا بالاخره موفق میشوند که افراد دستگیر شده را از دست مزدوران آزاد سازند سپس در حالیکه شعار میدادند و مزدوران را هو میگردند، از محل پراکنده میشوند.

ساعت ۱۰ شب ۱۷ فروردین نیز فردی که قبلاً معلم بوده، در زیر بنای وسط میدان انقلاب با صدای بلند شروع به افشای رژیم سرور و خفیان می‌نماید. مردم به دور او جمع شده و همبستگی خود را با او به نمایش میگذارند. مزدوران رژیم میدان انقلاب سندج را به محاصره خود درمیاورند. پاسداران پس از زود خوردن با معلم می‌جور و دستگیر کرده و برای انتقال وی به مراکز سرکوب خود ناچار به تیراندازی هوایی میشوند.

بعد از ظهر روز ۱۹ فروردین حدود ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر از مردم شهر در اعتراض به دستگیری معلم فوق‌الذکر دست به تظاهرات میزنند. تظاهرات کنندگان از چهارراه چهارباغ و دخت‌نات به سوی میدان انقلاب حرکت میکنند و با دادن شعارهایی علیه رژیم جمهوری اسلامی خواستار آزادی معلم دستگیر شده میشوند. در مسیر راهپیمایی دست‌فروشان و کسبه از تظاهرات کنندگان پشتیبانی می‌کنند. این حرکت اعتراضی قبل از سر رسیدن مزدوران سرکوبگر رژیم به اراضی مسیر یک خیابان به پایان میرسد.

سنتز

نثار مزدوران رژیم برای پیشبرد سیج جنگی رژیم بر مردم سقز افزایش یافته است. سربازگیری اجباری که از

ماها پیش شروع شده، بشدت ادامه دارد. رژیم بخشی از کارمندان دولتی و بخصوص فرهنگیان را احضار کرده و از آنان خواسته که به جبهه‌های جنگ بروند. اما علیرغم کلیه فشارها و شکنجه‌ها مزدوران رژیم بر شهر هنوز اکثر مشمولین به سربازی نرفته‌اند و فرار از سربازی همچنان ادامه دارد. تا مین هزینه‌های جنگی از دسترنج مردم نیز بوسیله جکیری از مسافران درجاده‌ها، بالابردن قیمت اجناس، گرفتن پول از دانش آموزان ادامه دارد.

پیرانشهر

سردمداران رژیم اخیراً کسبه پیرانشهر را تهدید کرده‌اند در صورتی که به جبهه نروند باید ماهیانه چهل هزار ریال به جبهه‌های جنگ کمک نمایند. همچنین دانش آموزان نیز به اجبار مکلف گشته‌اند که روزانه ۲۰ ریال و یک گونی خالی جهت ارسال به جبهه‌ها به مزدوران بپردازند. مزدوران رژیم معابر و جاده‌ها را ضد به کنترل خود درآورده و مسافران جوان را از وسایل نقلیه عمومی پیاده کرده و بیکر آنها را به جبهه‌های جنگ اعزام میکنند. تاکنون تعداد زیادی از جوانان نقد و پیرانشهر به همین شیوه دستگیر شده و به جبهه‌های جنگ اعزام گشته‌اند.

مهاباد

رژیم ارتجائی جمهوری اسلامی برای درهم‌شکستن اراده مردم مبارز مهاباد به بهانه جنگ، آنها را زیر فشار زیادی گذاشته است. کلیه ادارات و شوراهای اصناف و محلات موظف گشته‌اند تا مردم را وادار سازند با درجیه‌های جنگ ارتجائی و یا با مسلح شدن به خدمت اهداف ارتجائی رژیم در آیند. دانش آموزان مدارس نیز از سوی مزدوران رژیم تحت فشار قرار گرفته‌اند تا در جبهه‌های جنگ قربانی مطامع فداکاری رژیم گردند. مسودی فرماندار مزدور

پیوند جنبش طبقه کارگر با جنبش خلق کرد یا منجلا ب رفرمیستی راه کارگر؟

"سیمان مسئله ملی و پیوند طبقات مختلف" است خمکین شود و آنرا بکتابسم بخواند. سیاستی که همواره و در هر شرایطی از استقلال طبقاتی کارگران دفاع میکند و همواره مبارزه در راه انقلاب سوسیالیستی را با مبارزه در راه دموکراسی درهم می آمیزد اما به مبارزه برای دموکراسی بعنوان تابعی از مبارزه طبقاتی پرولتاریا برخورد می نماید.

مبارزه خلقها برای حق تعیین سرنوشت خویش نمیتواند منجر به فراموشی مبارزه طبقاتی کارگران علیه سرمایه داران یا کم بها دادن به آن و یا نفی استقلال طبقاتی کارگران و مخدوش کردن خط و مرزهای طبقاتی بشود. کمونیستها تنها با دفاع از اهداف و منافع پرولتاریا و سازماندهی و رهبری مبارزه طبقاتی آن و با ایجاد صف مستحکم پرولتری میتوانند جنبش خلقها برای حق تعیین سرنوشت خویش را در جهت پیروزمند آن رهبری کنند. مخدوش کردن خط و مرزهای طبقاتی و محدود کردن مبارزه خلق زحمتکش کرد به مسئله ملی ضرورتا تن دادن به همزبانی بورژوازی را نیز در بر دارد. این است نقاط اشتراق دیدگاه ناسیونالیستی و رفرمیستی راه کارگر با دیدگاه پرولتاریا. راه کارگر با شعار همه با هم در اشتلافی از نیروهای وفادار به حل دموکراتیک مسئله ملی دنبال روی از بورژوازی را تبلیغ میکند و پرولتاریا صف مستقل و بلاتفرقی انقلابی برای درهم کوبیدن کلیت نظام اقتصادی و اجتماعی حاکم بمنابدها عمل هرگونه استمکری را.

اجازه نمیدهد که از محدوده خواستهای رفرمیستی و اصلاحات جزئی قدمی فراتر بگذارد. بر اساس همین دیدگاه رفرمیستی است که راه کارگر به طرح ضرورت اشتلافی بی هویت حول حل دموکراتیک مسئله ملی من پرداختد. راه کارگر با توضیح در مورد موافقی که بر سر راه اشتلاف مورد نظرش وجود دارد، بار دیگر بر انحرافات خود صحنه میگذارد. راه کارگر میگوید یکی از موافقی که بر سر راه چنین اشتلافی وجود دارد در یکی انحرافی و بکتابسمی است که "تقدم مسئله ملی در جنبش خلق کرد را درک نکرده و در نتیجه به الزامات عملی آن تن نمیدهد و تحت عنوان تقدم سوسیالیسم و حل مسائل اجتماعی کردستان در برابر هرگونه اشتلاف و نزدیکی نیروهای سیاسی اشکال تراشی میکند" (ریگای گریکا شماره ۳۲، ص ۱۵)

این است دفاع آشکار از موضع منافع بورژوازی در جنبش خلق کرد! آنچه که از نظر راه کارگر بکتابسم و انحراف خوانده میشود، همانا تاکید بر برنامه تاکتیک پرولتاریا در برخورد به مسائل دموکراتیک که مسئله ملی نیز جزئی از آن است می باشد. بکتابسمی که از نظر راه کارگر "تحت عنوان تقدم سوسیالیسم و حل مسائل اجتماعی کردستان"، تقدم مسئله ملی در جنبش خلق کرد را درک نکرده "در برابر اشتلاف" طبقات مختلف خلق کرد که سیمان مسئله ملی به هم پیوند خورده اند "سگ اندازی میکند. راه کارگر با این دیدگاه عموم خلقی باید هم علیه سیاست مستقل پرولتری که خواستار درهم شکستن

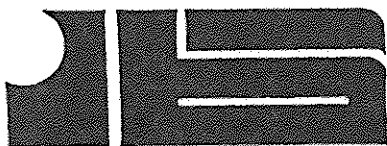
رژیم جمهوری اسلامی همچنان در بن بست جنگ

در نماز جمعه نوزدهم اردیبهشت ماه، نفرت و انزجار زحمتکشان از جنگ ارتجاعی را بدین شکل فرموله میکنند: "مردم مسلمان میهنمان... علاوه بر اشتیاق آنها برای مشارکت هر چه بیشتر در مسائل جنگ... مصمم هستند که هر چه زودتر جنگ را با پیروزی نهایی به پایان برسانند".

تابش استانداز مزدور کردستان نیز در محاسبه مورخ بیست و یکم اردیبهشت خود با رادیو ارتجاع ضمن آنکه به تبلیغات جنگی رژیم دامن زد و از مردم خواست که به سیاستهای ارتجاعی رژیم سرتسلیم فرود آورند، لیل جو اعتراضی حاکم بر کردستان چار از اعتراف به وضعیت فلاتکبار ندگی مردم شد و وقیحانه اعلام کرد که هنوز حقوق عقب افتاده کارکنان بعضی ادارات را نپرداخته اند.

رژیم ستمگر جمهوری اسلامی که از بدو قدرت گیری بجز سرکوب، ترور و خفقان، فقر و فلاکت، بیکاری، گران، تورم، زندان و شکنجه و اعدام، جنگ و کشتار و ویرانی برای توده های مردم سراسر ایران ارمغانی نداشته است، برای بقاء ننکین خود همچنان بر طبل جنگ ارتجاعی خواهد کوبید.

جنگ ارتجاعی اذهان میلیونها تن از مردم را روشن کرده و اعتراضی آنها را علیه رژیم برانگیخته است. در چنین شرایطی باید به تشدید مبارزه انقلابی علیه جنگ که همانا تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی است، پرداخت. باید برای تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی تدارک دید. کارگران و زحمتکشان سراسر ایران برای خاتمه بخشیدن به جنگ ارتجاعی و دست یابی به ملحق دموکراتیک هیچ راهی به جز سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی پیش روی خود ندارند. باید با قیام مسلحانه توده ای رژیم جمهوری اسلامی را سرنوشت ساخت و با برقراری جمهوری دموکراتیک خلق به ملحق دموکراتیک دست یافت.

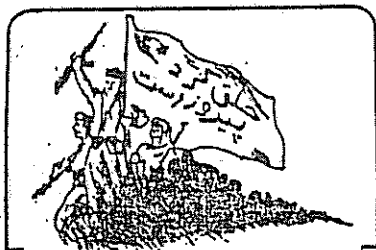


ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را بخوانید

برگزاری جشن اول ماه مه

وبه آشکارا به اعتراض علیه نظام حاکم برخاستند و برخی نیز تحت شرایط خفان آمیز سرمایه ناچار از برگزاری مراسم مخفیانه شدند.

کمیته کردستان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به نشانه همبستگی و وحدت مبارزاتی طبقه کارگر ایران با همه استثمارشدگان و ستمدیدگان سراسر جهان در این روز، در یکی از روستاهای کردستان مراسم جشنی برگزار کرد. این مراسم با استقبال پرشور عدهای از پیشمرگان انقلابی خلق کرد و اهالی زحمتکش این روستا روبرو شد.



شدند که عدهای از کارمندان و دانش آموزان رابزور سرنیزه در دروازه شهر جمع کنند. سپس با گرداندن این کاروان جهل و اجبار و مرکوب در خیابانهای مهیاده رابزور تهران با وقاحت اعلام کرد که دوهزار نفر مزبور، اعزامی از مهیاده هستند که مورد استقبال شدید اهالی قرار گرفته اند!

بوکان

مردوران رژیم در شهر بوکان نیز به دستگیری دسته جمعی جوانان برای سربازگیری اجباری دست زده اند. تمامی مزدوران رژیم از جمله ژاندارمری و شهرپایی، شهر را به کنترل خود درآورده و هر کس را که بزرگ یا یار خدمت همراه نداشته باشد، بلافاصله دستگیر میکنند. مزدوران رژیم بالباس شخصی به خانه های مردم رفته و فرزندان آنها را دستگیر می نمایند.

چند خبر از شهرهای کردستان

مهیاده طی ابلاغیه ای از کلیه شوراهای امنات و محلات مهیاده بخصوص محله های باغ شایگان "گشتر" و "تبه قاضی" خواسته است که مردم را به تسلیم اجباری و با سربازی اجباری وادارند.

در پی بی اعتنائی مردم مبارز مهیاده نسبت به سیاست سبج جنگی رژیم، دستگاههای تبلیغاتی بمپوری اسلامی روز اول اردیبهشت با سرام انداختن نمایش سخره ای کوشیدند تا چنین وانمود سازند که مردم مهیاده نیز عازم جبهه ها هستند. سردمداران رژیم در این روز حدود دوهزارتن از مزدوران خود و یاسربازان اجباری را تحت لوای "کاروان راهیان کربلا" از ارومیه به مهیاده فرستادند. سباه پاسداران ارتجاع قبلا از مردم مهیاده خواسته بود که برای استقبال از این کاروان در دروازه شهر تجمع نمایند. اما مردم مبارز مهیاده همچون همیشه از تن سیردن به این سیاست ارتجاعی سرباز زدند و مزدوران مجبور

غنائم بدست آمده

۴۵	جنگ افزار انفرادی
۵۳	انواع نارنجک
—	بی سیم
۷۹۹۰	انواع فشنگ
۸۱	خشاب
۱	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
—	کلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۱۲	بیوستن فریب خورندگان

تلفات دشمن

۱۵۲	کشته و زخمی
۲۰	اسرای دشمن
۶	خودروی منهدم یا معادله شده
—	سلاحهای منهدم شده
—	مهمات منهدم شده

جدول یک ماهه
عملیات پیشمرگان
خلی کرد

عملیات پیشمرگه

۱	کمین و کنترل جاده
۸	مین گذاری
۲۲	مقابله در مقابل پورش رژیم
۲	حمله به مراکز رژیم در شهرها
—	خلع سلاح پایگاه
—	معاذره و انهدام تاسیسات
۱۴	حمله به پایگاهها
۲۷	جمع

آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و کومه له برگرفته شده است.

۲۷ فروردین تا ۲۷ اردیبهشت

۱۰	نهدای پیشمرگه
۱۲	احالی سیدفاع

سهرگه و توبی بروننه وهی شورشیگیراندهی گه لی کورد

برخی ملاحظات

درفشای

مظاهر گران چهره بورژوازی

حزب دمکرات که در برنامه سیاسی اش از ضرورت "آزادی"، "دمکراسی"، "خودمختاری" و "سویالیزم کم نگفته" است، و جنبه‌هایی از تبلیغات حزب نیز بدین مفاهیم اختصاص یافته است، اما همانطور که تاکنون در عرصه جنبش انقلابی خلق کرد با تبلیغات رسانیده‌است، حزب دمکرات هرگز بدفاع از محتوای واقعی آنها نپرداخته و در عمل بدانها پایبند نبوده است و حتی در موارد مهمی، "دمکراسی"، "آزادی" و... را نیز به‌سفره گرفته و به بازی با شعارها پرداخته‌است.

درفش ۷

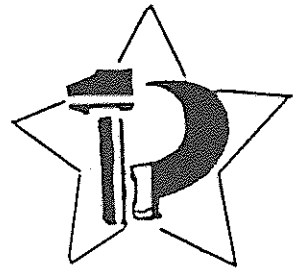
گرامی باد یکصد و شصت و هشتمین سالروز تولد

کارل مارکس

و یکصد و شانزدهمین سالروز تولد

لنین

آموزگاران و رهبران کبیر پرولتاریای جهان



اخباری از جنبش شوده‌ای

درفش ۱۸

خلق کرد پیروز است
جدول یک ماهه
علیات پشمرگان
خلق کرد

درفش ۲۷

برگزاری جشن اول ماه مه

امسال نیز روز اول ماه می، به اشکال مختلف توسط کارگران سراسر جهان ارج گذاشته شد. کارگران ازین رسته در کشورهای سویالیستی با بزرگداشت این روز تاریخی همبستگی خود را با رفقای پای در زنجیران، در جهت نابودی سرمایه و امپریالیسم به ظهور رسانیدند. در کشورهای سرمایه‌داری نیز با توجه به شرایط موجود کارگران سراسر با شوق تولد

درفش ۲۷

آغاز کار مجدد صدای فدائی

صدای فدائی، بانک رسای کارگران و فریاد پرغروش زحمتکشان که با توطئه ۴ بهمن، مزدوران بورژوازی و دشمنان طغنه کارگر مدنی خاموش‌نمود، با تلاش بی‌پایان رفقای سازمان مجدداً آغاز کار کرده‌است. فعالیت مجدد صدای فدائی را به اطلاع کارگران و زحمتکشان کردستان می‌رسانیم.

رادیو

صدای فدائی

موج کوتاه ردیف ۶ متر

ساعت ۸/۵ بعد از ظهر



پرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق